

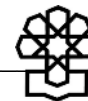
# قانون احزاب آلمان

این گزارش شامل ترجمه کامل قانون احزاب آلمان با آخرین اصلاحات آن است که توسط وزارت خارجه این کشور به زبان انگلیسی برگردانده شده است.

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	بخش اول - مقررات عمومی
۳	بخش دوم - سازمان و تشکیلات داخلی
۱۱	بخش سوم - معرفی نامزدها
۱۱	بخش چهارم - بودجه عمومی
۱۶	بخش پنجم - مسئولیت ارائه حساب
۲۹	بخش ششم - رویه‌ها در مورد صورتحساب‌های غلط و مقررات جزایی
۳۱	بخش هفتم - اعمال ممنوعیت و تحریم در مورد احزاب مغایر با قانون اساسی
۳۲	بخش هشتم - مواد پایانی
۳۳	منبع و مأخذ



## قانون احزاب آلمان

### چکیده

گزارش حاضر اختصاص به ترجمه کامل قانون احزاب سیاسی جمهوری فدرال آلمان دارد. این کار با هدف استفاده محققان و پژوهشگران و آشنایی قانونگذاران با قوانین مرتبط با احزاب در کشور آلمان صورت گرفته است. بدیهی است که استفاده از تجربیات موفق و مؤثر کشورهای دیگر می‌تواند در امر قانونگذاری در حوزه‌های مرتبط به مجلس شورای اسلامی کمک قابل ملاحظه‌ای داشته باشد.

### بخش اول - مقررات عمومی

#### ماده (۱) - جایگاه و وظایف قانونی احزاب سیاسی

۱. احزاب سیاسی سازنده و مکمل نظم اساسی و بنیادی دموکراسی آزاد هستند و ملزم به تبعیت از الزامات قانون اساسی می‌باشند. احزاب از طریق مشارکت آزاد و مداوم خود در شکل‌گیری اراده و عزم سیاسی مردم، به ایفای یک نقش عمومی می‌پردازند، نقش و وظیفه‌ای که از آنها انتظار می‌رود و به وسیله قانون اساسی تضمین و ضمانت می‌شود.

۲. احزاب سیاسی باید در شکل‌دهی به اراده و عزم سیاسی مردم در تمامی زمینه‌های حیات و فعالیت عمومی مشارکت کنند، به‌ویژه از راه‌های زیر:

با اعمال نفوذ در شکل دادن به عقیده عمومی، تقویت و بهبود آموزش شهروندی، ارتقای مشارکت فعال شهروندان در زندگی سیاسی، آموزش و تربیت شهروندان به‌نحوی که قادر باشند مسئولیت‌های عمومی را برعهده گیرند، شرکت در انتخابات‌ها در سطوح فدرال، ایالتی و محلی با معرفی و پیشنهاد کاندیداها، تأثیرگذاری بر تحولات و رویدادهای سیاسی در پارلمان‌ها و دولت‌ها، کمک و مؤثر بودن بر اهداف سیاسی که آنها در ارتباط با روند تصمیم‌گیری عمومی و فرایند شکل‌گیری سیاست ایجاد کرده‌اند و تأمین یک سلسله روابط و مناسبات متقابل، فعال و مستمر میان مردم و نهادهای دولتی.

۳. احزاب سیاسی باید اهداف خود را در برنامه‌های سیاسی مشخص و تصریح کنند.

۴. احزاب سیاسی باید بودجه‌های خود را منحصرأً برای اجرای کارها و وظایفی به‌کار برند که براساس قانون اساسی و قانون حاضر فعلی، بر آنها الزام و تأکید شده است.

**ماده (۲) - تعریف «حزب سیاسی»**

۱. احزاب سیاسی عبارتند از انجمن‌ها و کانون‌هایی از شهروندان، که بر یک پایه و مبنای مستمر یا برای یک دوره زمانی طولانی، درصدد آنند که بر تحول و توسعه عقیده سیاسی در سطح فدرال یا ایالتی تأثیر بگذارند و در [فرایند] نمایندگی مردم در بوندستاگ آلمان یا یک پارلمان ایالتی مشارکت کنند، مشروط بر آنکه آنها تضمین و تعهد کافی از صداقت، خلوص نیت، درست‌ی و اخلاص خود در تعقیب این هدف بدهند، چنان‌که این مسئله با توجه به موقعیت و جایگاه و محبوبیت کلی آنها اثبات می‌شود، از سوی دیگر این مسئله با توجه به اندازه و قدرت سازمان آنها، تعداد اعضا و میزان جلب توجه آنها در سطح عمومی قابل تشخیص است. تنها اشخاص حقیقی می‌توانند عضو یک حزب سیاسی باشند.

۲. چنین انجمنی جایگاه و موقعیت قانونی خود را، به‌عنوان یک حزب سیاسی، از دست خواهد داد اگر همراه با نامزدهای پیشنهادی خود، در هیچ‌یک از انتخابات‌های بوندستاگ آلمان یا انتخابات ایالتی به مدت ۶ سال شرکت نکرده باشد.

۳. انجمن‌های سیاسی نباید احزاب سیاسی تلقی شوند اگر:

- اکثریت اعضای آنها یا اکثریت اعضای کمیته اجرایی آنها خارجی باشند، یا آنکه
- مقر و مرکز ثبت شده آنها یا اداره اجرایی آنها خارج از قلمرو ایالتی حاکمیت قانون فعلی باشد.

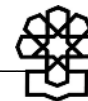
**ماده (۳) - صلاحیت اقامه دعوی و قابلیت مورد تعقیب قرار گرفتن**

یک حزب سیاسی می‌تواند به نمایندگی از طرف خود، اقامه دعوی حقوقی نماید و مورد تعقیب قانونی قرار گیرد. همین قابلیت‌ها در مورد شعبه‌ها و شعبه‌های منطقه‌ای - محلی بالاترین سطح حزب سیاسی مربوطه باید اعمال شود، مگر آنکه خلاف آن توسط قوانین موضوعه مقرر شده باشد.

**ماده (۴) - نام**

۱. نام یک حزب سیاسی باید به‌طور واضح و روشن از نام هر حزب دیگری که تاکنون وجود داشته است، متمایز باشد، همین مسئله باید در مورد اشکال و اسم اختصاری حزب نیز اعمال شود. در تبلیغات انتخاباتی و فرایند انتخابات، تنها نام ثبت شده یا شکل و صورت اختصاری آن می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، نام‌ها و عناوین توصیفی اضافی باید حذف شود.

۲. شعبه‌ها و شعبه‌های منطقه‌ای - محلی باید از نام حزب سیاسی خود برخوردار باشند، همراه با یک نشانه یا علامت از موقعیت سازمانی خود. این نوع نام اضافی برای زیرشعبه‌ها، تنها در



صورتی قابل استفاده است که پس از نام حزب قرار گیرد. در تبلیغات عمومی و در تبلیغات انتخاباتی، این نام اضافی می‌تواند حذف شود.

۳. شعبه‌های منطقه‌ای - محلی‌ای که از یک حزب کناره‌گیری می‌کنند، حق استفاده از نام آن حزب را از دست خواهند داد. نام جدیدی که توسط چنین زیرشعبه‌ای انتخاب می‌شود نمی‌تواند صرفاً از یک ضمیمه افزوده شده به نام قبلی حزب تشکیل شود. همین قاعده در مورد اشکال و صورت‌های اختصاری نیز اعمال خواهد شد.

### ماده (۵) - برخورد برابر و یکسان

۱. در جایی که یک مقام یا مسئول صلاحیت‌دار دولتی، تسهیلات و امکاناتی را در دسترس احزاب سیاسی قرار می‌دهد یا آنکه سایر کمک‌ها و خدمات دولتی را در اختیار آنها می‌گذارد، با تمامی احزاب سیاسی باید برخورد برابر و یکسانی شود. میزان این‌گونه تسهیلات یا خدماتی که در دسترس قرار خواهد گرفت، برحسب اهمیت خاص احزاب مختلف، تا حداقل میزانی که برای نیل و دستیابی به هدف آن حزب مشخص و خاص، لازم و ضروری است، می‌تواند تقلیل یافته، محدود و کم شود. اهمیت یک حزب سیاسی، به‌ویژه، بر مبنای نتایج به‌دست آمده در انتخابات‌های پارلمانی سابق، ارزیابی و برآورد خواهد شد. در مورد یک حزب سیاسی که در بوندستاگ آلمان، از نمایندگی یک گروه پارلمانی برخوردار است، میزان این‌گونه تسهیلات، کمک‌ها یا خدمات، باید حداقل به نیمی از آن تسهیلات و کمک‌هایی که به هر حزب سیاسی دیگری اعطا می‌شود، بالغ شود.

۲. در باب تأمین و تدارک کمک‌ها و خدمات دولتی در ارتباط با یک انتخابات، بند «۱»، در طول مدت مبارزه انتخاباتی، تنها در مورد احزاب سیاسی اعمال می‌شود که کاندیداها و نامزدها را معرفی و پیشنهاد کرده باشند.

۳. کمک‌ها و خدمات دولتی در بند «۱»، می‌تواند منوط و مشروط به شرایط خاص و معینی در دسترس قرار گیرند که توسط تمامی احزاب سیاسی باید برآورده و محقق شوند.

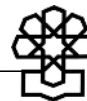
۴. بخش ۴ بدون آنکه تحت تأثیر قرار گیرد باید همچنان به قوت خود باقی بماند.

### بخش دوم - سازمان و تشکیلات داخلی

#### ماده (۶) - قوانین موضوعه و برنامه حزب

۱. یک حزب سیاسی باید از قوانین موضوعه نوشته و یک برنامه مکتوب برخوردار باشد. شعبه‌های منطقه‌ای - محلی باید امور خود را با قوانین موضوعه خود مدیریت و نظام‌مند کنند، مگر آنکه

- قوانین موضوعه شعبه بالاتر بعدی مربوط به آنها، به گونه دیگری پیش‌بینی و مقرر کرده باشند.
۲. قوانین موضوعه باید مشتمل بر پیش‌بینی‌ها و مقررات لازم در مورد موضوعات زیر باشند:
- نام حزب سیاسی و هرگونه شکل یا صورت اختصاری به‌کار رفته، مرکز و مقر به ثبت رسیده آن و حوزه فعالیت‌های آن.
  - عضویت در حزب و خارج شدن از حزب.
  - حقوق و وظایف اعضا.
  - ضمانت اجراها و مجازات‌های مجاز و موجه علیه اعضا و کنارگذاری و حذف اعضا از حزب (ماده (۱۰)، بندهای «۳» تا «۵»).
  - ضمانت اجراها و مجازات‌های مجاز در برابر شعبه‌های منطقه‌ای - محلی.
  - ساختار کلی حزب.
  - ترکیب و اختیارات کمیته اجرایی و سایر هیئت‌ها و گروه‌ها.
  - مسائل و موضوعاتی که منحصراً در معرض تصمیم‌گیری توسط جلسات و مجامع اعضا یا نمایندگان قرار می‌گیرند به نحوی که در ماده (۹) پیش‌بینی و مقرر شده است.
  - دلایل، تشریفات و محدوده زمانی مربوط به تشکیل مجامع و جلسات اعضا و نمایندگان و ثبت و ضبط رسمی قطعنامه‌هایی که گذرانده و تصویب می‌شوند.
  - آن دسته از شعبه‌های منطقه‌ای - محلی و هیئت‌هایی که مجاز به معرفی و پیشنهاد نامزدی کاندیداها برای انتخابات پارلمانی هستند، در جایی که این موضوع تحت شمول و پیش‌بینی مقررات قانونی قرار نگرفته باشد.
  - رأی‌گیری در مورد خط‌مشی یا سیاست مبنایی توسط تمامی اعضا و بیان رویه و تشریفات اجرایی خاص، مربوط به زمانی که مجمع یک حزب، به موجب ماده (۹) بند «۳»، قطعنامه‌ای را به‌منظور انحلال حزب سیاسی یا هریک از شعب منطقه‌ای - محلی آن یا به‌منظور ادغام حزب با حزب دیگر یا سایر احزاب، به تصویب رسانده است. این قطعنامه براساس نتیجه رأی‌گیری خط‌مشی، تأیید شده، اصلاح شده یا لغو شده تلقی خواهد شد.
  - شکل و محتوای یک نظام‌نامه یا آیین‌نامه مالی که تابع مقررات بخش ۵ قانون فعلی باشد.
۳. کمیته اجرایی باید مسائل و موضوعات زیر را بر سرپرست حوزه انتخابی فدرال گزارش و اعلام کند:
- قوانین موضوعه و برنامه حزب،
  - نام‌ها، نقش‌ها و وظایف اعضای کمیته‌های اجرایی حزب و شعبه‌های ایالتی آن،
  - انحلال حزب یا هریک از شعبه‌های ایالتی آن.



اصلاحات مربوط به جمله اول، شماره‌های ۱ و ۲ بالا، باید تا ۳۱ دسامبر سال میلادی مقرر اعلام شود.

این اسناد باید برای بررسی و بازدید عمومی، در اداره سرپرست حوزه انتخابی فدرال، قابل دسترس باشند. نسخه‌های کپی این‌گونه اسناد باید به‌صورت رایگان، به محض درخواست، در دسترس قرار گیرند.

۴. پیش‌بینی‌ها و مقرراتی که در قانون فعلی درخصوص احزاب سازمان یافته در سطح ملی و کشوری، تعیین و مقرر شده‌اند، باید در مورد احزاب سیاسی که فقط در یک ایالت خاص تأسیس و تشکیل می‌شوند (احزاب ایالتی) نیز اعمال و اجرا شوند.

### ماده (۷) - ساختار سازمانی و تشکیلاتی

۱. احزاب سیاسی باید به‌صورت شعبه‌های منطقه‌ای و یا محلی سازماندهی و تشکیل شوند. اندازه و سطح شعبه‌های منطقه‌ای - محلی باید در قوانین موضوعه حزب تصریح و مقرر شود. این‌گونه زیرشعبه‌ها یا تقسیمات کوچک‌تر ایالتی باید به اندازه‌ای وسیع باشند که به تک‌تک اعضا این اجازه و امکان را بدهند که به‌طور کافی و رضایتبخش، در فرایندهای سیاستگذاری و تصمیم‌گیری حزب مشارکت کنند. یک حزب سیاسی که سازمان و تشکیلات آن محدود و منحصر به ایالت یک شهر است، نمی‌تواند شعبه‌های منطقه‌ای تأسیس نماید، وی باید حزبی در چارچوب تعریف قانون فعلی تأسیس نماید. چندین شعبه منطقه‌ای - محلی می‌توانند همکاری یا اتحادیه‌ای، را در حیطه شرایط و مناسبات سازمانی ایجادکننده مشروط بر آنکه این همکاری یا اتحادیه، به‌طور قابل توجهی موجب تضعیف و آسیب به ساختار انشعابی و فرعی سازمان حزب نگردد.

۲. زمانی که یک حزب سیاسی از هیچ‌گونه شعبه ایالتی برخوردار نیست، مقررات تعیین شده در قانون فعلی درخصوص شعب ایالتی باید در مورد شعب منطقه‌ای - محلی سطح بعدی‌ای که در زیرسطح خود حزب قرار می‌گیرند، اعمال و اجرا شود.

### ماده (۸) - هیئت‌ها

۱. مجمع اعضا و کمیته اجرایی، هیئت‌های ضروری، حیاتی و اجتناب‌ناپذیر یک حزب سیاسی و شعب منطقه‌ای - محلی آن محسوب می‌شوند. قوانین موضوعه می‌توانند تصریح کنند که در شعب فرامحلی، مجمع نمایندگان می‌تواند جایگزین و جانشین مجمع اعضا گردد، که اعضای این مجمع نمایندگان باید، برای حداکثر دو سال، توسط مجامع اعضا یا مجامع نمایندگان شعب تابعه زیردست انتخاب شوند. احزاب ایالتی که فاقد شعبه‌های منطقه‌ای - محلی هستند (مراجعه کنید به ماده (۷)، بند «۱»، جمله چهارم)

می‌توانند مجمع نمایندگان را جایگزین مجمع اعضا کنند مشروط بر اینکه آنها پیش از ۲۵۰ عضو داشته باشند. مجامع نمایندگان می‌توانند برای شعبه‌های محلی‌ای که بیش از ۲۵۰ عضو دارند یا آنکه منطقه جغرافیایی وسیع و بزرگی را تحت پوشش قرار می‌دهند نیز تأسیس و تشکیل شوند.

۲. قوانین موضوعه می‌توانند نهادهای اضافی دیگری را نیز پیش‌بینی کنند که از فرایندهای شکل‌گیری سیاست و تصمیم‌گیری شعبه منطقه‌ای - محلی مربوطه حمایت خواهند کرد. این‌گونه نهادها باید صریحاً به‌عنوان چنین نهادهایی و تحت این عنوان، در قوانین موضوعه تعیین و مشخص گردند.

### ماده (۹) - مجامع اعضا و نمایندگان (مجمع حزب، مجمع عمومی)

۱. مجمع عمومی، هیئت عالی شعبه منطقه‌ای - محلی مربوطه محسوب می‌شوند. این مجمع در مورد شعب سطح بالاتر، یک «مجمع حزب» و در پایین‌ترین سطح یک «مجمع عمومی» نامیده می‌شود، مقررات و پیش‌بینی‌های زیر درخصوص مجامع حزب باید در مورد مجامع عمومی نیز اعمال و اجرا گردد. مجامع حزب باید دستکم هر دو سال میلادی یک بار برگزار شوند.

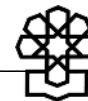
۲. اعضای کمیته اجرایی، اعضای سایر هیئت‌های شعبه منطقه‌ای - محلی و هریک از اشخاصی که در ماده (۱۱)، بند «۲»، تعریف و تعیین شده‌اند، می‌توانند به‌موجب قوانین موضوعه، اعضای یک مجمع نمایندگان باشند، اما در این‌صورت تعداد کسانی که دارای حق رأی هستند نباید از یک‌پنجم کل تعداد اعضای مجمع که در قوانین موضوعه پیش‌بینی شده است، بیشتر باشد.

۳. طبق صلاحیت‌هایی که در حزب برای یک شعبه منطقه‌ای - محلی تعیین و منظور می‌گردد، مجمع حزب باید به تصمیم‌گیری در مورد مسائل و موضوعات زیر بپردازد: برنامه‌های حزب، قوانین موضوعه، قواعد مربوط به حق عضویت‌ها، قواعد مربوط به تشریفات و روند آیین‌نامه و رویه داوری، انحلال حزب و ادغام آن با سایر احزاب.

۴. مجمع حزب باید رئیس شعبه منطقه‌ای - محلی، معاونان وی و سایر اعضای کمیته اجرایی، اعضای هریک از سایر هیئت‌های دیگر و نمایندگان انتخابی برای هیئت‌های شعب منطقه‌ای سطح بالاتر را انتخاب نماید، مگر آنکه قانون حاضر رویه دیگری را مجاز بداند.

۵. مجمع حزب باید، حداقل هر دو سال یک بار، یک گزارش پیشرفت کار یا گزارش ارزشیابی از کمیته اجرایی دریافت نماید و باید یک قطعنامه در مورد آن تصویب و صادر کند. از ارائه و تسلیم گزارش، بخش مالی آن باید توسط حسابرسی که از سوی مجمع حزب انتخاب می‌شوند، مورد بررسی، ارزیابی و مطالعه قرار گیرد.





## ماده (۱۰) - حقوق اعضا

۱. به موجب مقررات مفصل و مشروح مربوطه از قوانین موضوعه، هیئت‌های صالح حزب، باید آزادانه و بدون محدودیت، در مورد پذیرش و ورود اعضا تصمیم‌گیری کنند. برای رد کردن تقاضای عضویت، لازم نیست دلیلی ارائه شود. هیچ‌گونه امتناع عمومی و کلی از پذیرش اعضای جدید، حتی برای مدت زمان محدود، مجاز نخواهد بود. اشخاصی که، با حکم قضایی، از حق خود برای نامزد شدن در انتخابات یا حق خود برای رأی دادن، محروم شده‌اند، نمی‌توانند اعضای حزب سیاسی باشند.

۲. اعضای حزب و نمایندگانی که نمایندگی هیئت‌های حزب را برعهده دارند باید از حق رأی یکسان و برابر برخوردار باشند. به موجب مقررات مشروح مربوطه از قوانین موضوعه، اعمال حق رأی می‌تواند مشروط به این شود که اعضا، حق عضویت خود را پرداخت کرده باشند. هر عضو باید این حق را داشته باشد که هر زمان بخواهد، به عضویت خود در حزب فوراً و بلافاصله پایان دهد.

۳. قوانین موضوعه باید مشتمل بر مقررات و پیش‌بینی‌های لازم در مورد مسائل و موضوعات زیر باشند:

- ضمانت اجراها و مجازات علیه اعضا،

- دلایل توجیه‌کننده این‌گونه ضمانت اجراها یا مجازات‌ها،

- آن دسته از هیئت‌های حزب که می‌توانند این‌گونه ضمانت اجراها یا مجازات‌ها را تنفیذ و تجویز کنند.

اگر عضوی از مناصب و مقامات حزبی برکنار شود یا آنکه صلاحیتش برای داشتن این‌گونه مناصب سلب گردد، دلایل چنین تصمیمی باید بیان گردد.

۴. یک عضو تنها در صورتی می‌تواند از حزب اخراج شود که عالماً و عامداً قوانین موضوعه حزب را نقض نماید یا آنکه در مورد اصول یا قواعد پذیرفته شده حزب مرتکب نقض یا تخلف بزرگ شود، به طوری که از این رهگذر لطمه و آسیب جدی را به حزب وارد نماید.

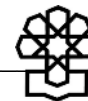
۵. تصمیمات درخصوص اخراج از حزب باید توسط هیئت داور، که به‌عنوان هیئت صالح در قواعد مربوط به آیین و تشریفات داور تعیین و تعریف می‌شود، اتخاذ گردد. حق فرجام‌خواهی و مراجعه به یک هیئت داور بالاتر باید تضمین شده، مسلم و قطعی باشد. دلایل تصمیماتی که توسط هیئت‌های داور اتخاذ می‌شوند، باید به‌صورت مکتوب بیان شود. در موارد فوری و مهم که مستلزم اقدام فوری و سریع است، کمیته اجرایی حزب یا هرکدام از شعبه‌های منطقه‌ای - محلی آن، می‌تواند یک عضو را تا زمانی که هیئت داور به یک تصمیم مشخص دست یابد، از اعمال و استیفای حقوق خود باز دارد.

## ماده (۱۱) - کمیته اجرایی

۱. کمیته اجرایی باید دستکم هر دو سال میلادی یک بار انتخاب گردد. این کمیته باید حداقل از سه عضو تشکیل شود.
۲. کمیته اجرایی می‌تواند، به موجب قوانین موضوعه، شامل افراد زیر باشد: اعضای پارلمان و سایر اشخاص عالیرتبه در حزب که از منصب یا نمایندگی منتج از یک انتخابات برخوردار باشند. نسبت اعضای که براساس مقررات ماده (۹)، بند «۴»، انتخاب نمی‌شوند، نباید از یک‌پنجم کل تعداد اعضای کمیته اجرایی تجاوز کند. رئیس و خزانه‌دار یک حزب سیاسی نمی‌توانند در هیچ نهاد سیاسی دیگری که مشابه و نزدیک به آن حزب باشد، وظایف و نقش‌های مشابه و همترازی را ایفا کنند.
۳. کمیته اجرایی باید شعبه حزبی مربوط به خود را اداره و هدایت نماید و امور آن را بر طبق قانون و قوانین موضوعه و بر طبق قطعنامه‌های تصویب شده توسط هیئت‌های سطح بالاتر حزب اداره و رهبری کند. این کمیته باید بر طبق ماده (۲۶)، بند «۲» از قانون مدنی، نمایندگی آن شعبه حزبی را برعهده بگیرد، مگر آنکه قوانین موضوعه به نحو دیگری پیش‌بینی و مقرر کنند.
۴. ممکن است از میان اعضای کمیته اجرایی، یک هیئت‌رئیس تشکیل شود تا قطعنامه‌های کمیته اجرایی را به اجرا درآورد و نیز به‌ویژه وظایف و کارهای فوری و اضطراری کمیته اجرایی را، علاوه بر وظایف و کارهای معمولی و همیشگی آن به انجام برساند. اعضای این کمیته نیز ممکن است توسط کمیته اجرایی انتخاب شوند یا آنکه مطابق آنچه در قوانین موضوعه مقرر و تصریح شده، انتخاب و منصوب شوند.

## ماده (۱۲) - کمیته‌های عمومی حزب

۱. اعضای کمیته‌های عمومی حزب و نهادهای مشابه، که مطابق قوانین موضوعه، اختیارات وسیعی به آنها محول گردیده تا به بحث و تبادل نظر یا تصمیم‌گیری در مورد مسائل سیاسی و سازمان حزبی بپردازند، نیز می‌تواند توسط شعب منطقه‌ای، محلی سطح پایین‌تر انتخاب شوند.
۲. کمیته اجرایی و اعضای گروه اشخاصی که در ماده (۱۱)، بند «۲» تعریف و تعیین شده‌اند، نیز می‌توانند به موجب قوانین موضوعه، وابسته به چنین هیئتی باشند. نسبت اعضای غیرمنتخب نباید از یک‌سوم تعداد کل اعضای هیئت بیشتر باشد، این تعداد می‌تواند با تعداد اعضای بدون رأیی که در یک سمت مشاوره‌ای شرکت می‌کنند، افزایش یابد، اما حتی در این صورت هم، نسبت اعضای غیرمنتخب باید باز هم کمتر از نصف تعداد کل اعضا باشد.
۳. اعضای منتخب هیئت‌های تعیین شده در بند «۱» فوق، باید به مدت حداکثر دو سال حائز منصب و سمت باشند.



### ماده (۱۳) - ترکیب مجامع نمایندگان

ترکیب یک مجمع نمایندگان یا ترکیب هر هیئت دیگری که به طور کامل یا تا حدودی مرکب از نمایندگانی از شعب منطقه‌ای - محلی باشد، باید در قوانین موضوعه مقرر و تصریح شود. تعداد نمایندگان از طرف یک شعبه منطقه‌ای - محلی باید اساساً بر مبنای تعداد اعضای که عهده‌دار نمایندگی هستند محاسبه گردد. قوانین موضوعه ممکن است مقرر و تصریح کنند که تعداد باقیمانده نمایندگان - که نباید بیشتر از نیمی از تعداد کل باشند - میان شعب منطقه‌ای - محلی، به نسبت تعداد آرای کسب شده در منطقه تحت پوشش شعبه منطقه‌ای - محلی مورد نظر، در انتخابات پارلمانی سابق، تقسیم و توزیع می‌شوند. اعمال این حق رأی می‌تواند منوط و مشروط به پرداخت واقعی و بالفعل حق عضویت توسط آن شعبه منطقه‌ای - محلی شود.

### ماده (۱۴) - هیئت‌های داوری حزب

۱. هیئت‌های داوری باید لااقل در سطح خود حزب و در سطح شعب منطقه‌ای تراز اول و سطح بالا، ایجاد و تأسیس گردند تا به حل و فصل و تصمیم‌گیری در مورد دعاوی میان حزب یا یک شعبه منطقه‌ای - محلی، از یک سو، تک‌تک اعضا، از سوی دیگر و نیز حل و فصل اختلافات و مناقشات بر سر تفسیر و اجرای قوانین موضوعه بپردازند. برای چندین شعبه نیز می‌تواند هیئت‌های داوری مشترک تشکیل و شود.

۲. اعضای هیئت‌های داوری باید برای مدت حداکثر چهار سال انتخاب شوند. آنها نباید اعضای کمیته اجرایی حزب یا هریک از شعب منطقه‌ای، محلی آن باشند، همچنین نباید در استخدام حزب یا هر کدام از شعب آن باشند و نباید درآمد منظم و ثابتی را از آنها دریافت کنند. آنها باید مستقل باشند و نباید ملزم به تبعیت از دستورات یا دستورالعمل‌ها باشند.

۳. قوانین موضوعه می‌توانند، به طور کلی یا به صورت موردی، به طرفین دعوا اجازه دهند که تعداد برابری از کارشناسان و ارزیابان را به هیئت‌های داوری معرفی کنند.

۴. کارها و وظایف این‌گونه هیئت‌های داوری باید تحت الزامات و حکومت قواعد مربوط به آیین‌نامه‌ها و تشریفات داوری قرار داشته باشد، آیین‌نامه‌ها طراحی می‌شوند تا رسیدگی قانونی و دادرسی عادلانه و منصفانه را برای طرفین دعوا تضمین کنند و در عین حال این تضمین را به وجود آورند که هریک از اعضای هیئت‌های داوری، در صورت جانبداری و طرفداری، ممکن است کنار گذاشته شوند.

### ماده (۱۵) - تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در بخش‌های مختلف حزب

۱. بخش‌های حزب باید قطعنامه‌های خود را با رأی اکثریت ساده را به تصویب برسانند مگر آنکه اکثریت بالاتری توسط قانون یا توسط قوانین موضوعه حزب معین گردد.
۲. انتخابات اعضای کمیته اجرایی و انتخابات نمایندگان مجامع نمایندگان و نمایندگان هیئت‌های شعبه‌های منطقه‌ای سطح بالاتر باید مخفیانه باشد. در مورد تمامی انتخابات‌های دیگر، رأی‌گیری می‌تواند علنی باشد مشروط بر اینکه رأی‌دهندگان، هیچ‌گونه مخالفت و اعتراضی نداشته باشند.
۳. حق ارائه طرح‌ها و پیشنهادهای به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که فرایندهای شکل‌گیری و تصمیم‌گیری دمکراتیک و نیز به‌ویژه، انجام بحث‌ها و گفتگوهای کافی و لازم در مورد پیشنهادهای ارائه شده توسط اقلیت‌ها را، تضمین نماید. در مجامع شعب منطقه‌ای سطح بالاتر، حداقل به نمایندگان شعبه‌های دو سطح پایین‌تر بعدی باید حق ارائه طرح‌ها و پیشنهادهای اعطا شود. در مورد انتخاب‌ها و رأی‌گیری‌ها، هیچ‌گونه تعهد و الزام به قطعنامه‌های مصوب توسط سایر هیئت‌ها، نباید وجود داشته باشد.

### ماده (۱۶) - ضمانت اجراها و مجازات‌ها علیه شعب منطقه‌ای - محلی

۱. انحلال و حذف شعب منطقه‌ای، محلی سطح پایین‌تر یا انفصال و برکناری کل هیئت‌های این شعبه‌ها از منصب، باید فقط در موارد نقض جدی اصول یا قواعد پذیرفته شده حزب، مجاز و موجه باشد. قوانین موضوعه حزب باید مسائل و موضوعات زیر را مشخص و تصریح کنند.
  - دلایلی که به‌موجب آن، این‌گونه مجازات‌ها و ضمانت اجراها، مجاز و موجه خواهند بود.
  - شعبه منطقه‌ای سطح بالاتر و آن هیئتی از این شعبه که حق و صلاحیت تحمیل این‌گونه ضمانت اجراها را دارند.
۲. کمیته اجرایی حزب یا کمیته اجرایی یک شعبه منطقه‌ای سطح بالاتر، باید تأییدیه ضمانت اجرا طبق بند «۱» را از یک هیئت عالی‌رتبه‌تر کسب کند. ضمانت اجرا یا مجازات مزبور، در صورتی‌که در مجمع حزب ارائه نشود، باید لغو شود.
۳. استیناف و فرجام‌خواهی از یک هیئت داورى علیه ضمانت اجراها و مجازات‌های تحمیل شده به‌موجب بند «۱» بالا، باید مجاز و امکان‌پذیر باشد.



## بخش سوم - معرفی نامزدها

### ماده (۱۷) - معرفی نامزدها برای انتخابات

تعیین و معرفی کاندیداها برای انتخابات پارلمان، باید با رأی‌گیری مخفی صورت پذیرد. روند و آیین معرفی نامزدها باید تابع قوانین انتخابات و تابع قوانین موضوعه احزاب سیاسی باشد.

## بخش چهارم - بودجه عمومی

### ماده (۱۸) - اصول و مبانی و میزان بودجه عمومی

۱. احزاب سیاسی باید بودجه‌ای را به‌عنوان تأمین مالی بخشی از فعالیت‌هایی که به‌طور کلی به‌موجب قانون اساسی به آنها محول شده، دریافت کنند. معیارها و ضوابط مربوط به تخصیص بودجه عمومی عبارتند از: نسبت آرای کسب شده توسط یک حزب سیاسی در انتخابات اروپایی، بوندستاگ و پارلمان ایالتی، جمع کل حق عضویت‌های آن حزب و کمک‌های دریافتی از ناحیه دارندگان و صاحبان منصب دولتی انتخابی و میزان هدایای دریافت شده.

۲. حداکثر مبلغ کل بودجه عمومی که سالیانه می‌تواند میان احزاب سیاسی توزیع شود، باید ۱۳۳ میلیون یورو باشد.

۳. احزاب سیاسی باید، بر پایه نظام تأمین بودجه عمومی نسبی، به ترتیب زیر سالیانه مبالغی را دریافت کنند:

- ۰/۷ یورو به‌ازای هر رأی معتبری که به نفع لیست حزب مربوطه انداخته شود،

- ۰/۷ یورو به‌ازای هر رأی انداخته شده به نفع حزب مربوطه، در یک حوزه انتخابی یا یک

حوزه رأی‌گیری‌ای که لیستی برای آن حزب در سطح ایالتی ارائه نشده است،

- ۰/۳۸ یورو به‌ازای هر یورو که از منابع دیگر دریافت شود (حق عضویت‌ها، کمک‌ها و اعانات

از ناحیه صاحب منصبان منتخب، یا هدایا و کمک‌های به‌دست آمده از طریق قانونی)، تنها مبالغ اهدا شده تا سقف ۲۳۰۰ یورو، به‌ازای هر شخص حقیقی به حساب خواهد آمد.

در صورت لغو یا منتفی شدن شماره‌های ۱ و ۲ بالا، یک حزب باید ۰/۸۵ یورو به‌ازای هر رأی،

تا سقف چهار میلیون رأی معتبر اخذ شده، دریافت نماید.

۴. احزاب سیاسی که، بر طبق نتیجه نهایی جدیدترین انتخابات پارلمان اروپا یا انتخابات بوندستاگ،

حداقل ۰/۵ درصد، یا در یک انتخابات ایالتی، ۱ درصد آرای معتبر به نفع لیست‌های حزب آنها

انداخته شده باشد، باید حق برخورداری از بودجه عمومی را به موجب بند «۳»، شماره‌های ۱ و ۳

داشته باشند، برای اینکه یک حزب بتواند حق برخورداری از پرداخت‌ها و مبالغ قید شده در بند «۳»، جمله اول، شماره ۱ و جمله دوم را پیدا کند، باید این شرایط را در انتخابات مربوطه، دارا باشد. احزابی که، بر طبق نتیجه نهایی و قطعی انتخابات، ۱۰ درصد از آرای معتبر اخذ شده در یک حوزه انتخابی یا حوزه رأی‌گیری را کسب کرده باشند، باید حق برخورداری از بودجه عمومی را به موجب بند «۳»، شماره ۲ داشته باشند. ردیف‌های اول و دوم، نباید در مورد احزاب سیاسی اقلیت‌های ملی اعمال شود.

۵. مبلغ بودجه عمومی نسبی، نباید از مبلغ درآمد سالیانه یک حزب که در ماده (۲۴) بند «۴»، شماره‌های ۱-۷ مشخص و تصریح شده است، بیشتر باشد. کل مبلغ بودجه‌های اعطا شده به تمامی احزاب نباید از حد نهایی یا سقف مطلق بیشتر باشد.

۶. پس از آنکه صورتحساب‌های ارائه شده توسط احزاب سیاسی حائز نماینده در بوندستاگ آلمان، توسط رئیس بوندستاگ آلمان به ترتیبی که در ماده (۲۳) بندهای «۲» و «۳»، مقرر و پیش‌بینی شده، اعلام و منتشر شود، بوندستاگ باید تصمیم‌گیری کند که آیا باید مبلغ حد نهایی یا سقف مطلق را تعدیل نماید یا خیر (ماده (۱۸) بند «۲»). به این منظور، رئیس اداره آمار فدرال، باید تا ۳۰ آوریل هر سال، گزارش را به بوندستاگ آلمان درخصوص رشد شاخص قیمت با توجه به هزینه‌ها و مخارج عادی یک حزب، در مقایسه با سال گذشته ارائه دهد. این شاخص قیمت باید، با یک ضریب حجمی ۷۰ درصدی، بر شاخص قیمت مصرف‌کننده عادی و با یک ضریب ۳۰ درصدی، بر حقوق‌های ماهیانه استاندارد کارمندان دولت‌های مرکزی، منطقه‌ای و محلی، مبتنی باشد.

۷. ریاست فدرال می‌تواند کمیته‌ای از کارشناسان و متخصصان مستقل را برای بررسی موضوعات و مسائل مربوط به تأمین بودجه حزب سیاسی، تعیین و منصوب نماید.

۸. اگر یک حزب سیاسی منحل یا از ادامه فعالیت محروم و ممنوع گردد، وی دیگر نباید از تاریخ انحلال خود، حق برخورداری از بودجه عمومی نسبی را داشته باشد و نباید واجد شرایط برخورداری از بودجه عمومی نسبی شناخته شود.

### ماده (۱۹) - تقاضای بودجه عمومی نسبی

۱. احزاب سیاسی باید، تا ۳۰ سپتامبر «سال استحقاق»، مطابق تعریف قانون حاضر، تقاضانامه‌ای را به صورت مکتوب درخصوص برآورد و تعیین میزان و مبلغ بودجه عمومی مربوط به سال استحقاق به رئیس بوندستاگ آلمان ارائه کنند. این تقاضانامه، باید توسط عضوی از اعضای کمیته اجرایی حزب که به موجب قوانین موضوعه حزب، مسئول مسائل و موضوعات مالی حزب است، تسلیم و



ارائه گردد و باید محتوی، آدرس معتبر و جزئیات حساب بانکی باشد. تنها تقاضانامه واحد که توسط شعبه فدرال حزب ارائه شود، کافی خواهد بود. اگر حزب سیاسی بودجه عمومی را پیش از این، برای سال قبل از سال استحقاق دریافت کرده باشد، رئیس بوندستاگ آلمان، مبلغ مورد نظر را بدون دریافت هرگونه تقاضانامه دیگری از طرف حزب، تعیین خواهد کرد. حزب باید هرگونه تغییراتی را که بر روند برآورد و تعیین بودجه تأثیرگذار است، بلافاصله و بی‌درنگ، به رئیس بوندستاگ آلمان اطلاع دهد. اگر حزبی در ارائه چنین گزارش کوتاهی نماید، مسئول شناخته خواهد شد.

۲. تقاضانامه‌ای که به منظور دریافت مبالغ و پرداخت‌های قسطی تنظیم و ارائه می‌شود، باید تا ۱۵ ماه قبل از پرداخت قسط بعدی، به صورت مکتوب به رئیس بوندستاگ آلمان تسلیم و ارائه گردد. ممکن است برای چندین قسط مربوط به سال مشخصی، یک تقاضانامه به طور همزمان ارائه و تسلیم شود. بند «۱»، جملات پنجم تا هفتم، باید با اعمال تغییرات لازم اجرا شود.

### ماده (۱۹a) - رویه تعیین نرخ بودجه

۱. رئیس بوندستاگ آلمان باید، تا ۱۵ فوریه هر سال، بودجه عمومی را که قرار است به هر حزب سیاسی واجد شرایط، در ازای سال گذشته (سال استحقاق) تخصیص داده شود، تعیین نماید.

رئیس می‌تواند بودجه عمومی به موجب مواد (۱۸) و (۱۹a) را، تنها بر مبنای صورتحسابی که از مقررات بخش پنج زیر تبعیت و پیروی می‌نماید، به یک حزب تخصیص داده و پرداخت کند. اگر رئیس بوندستاگ آلمان، در مورد صورتحساب که در محدوده زمانی معین ارائه و تسلیم می‌شود، رویه و تشریفات قید شده در ماده (۲۳a) بند «۲» را، قبل از تعیین کردن نرخ بودجه آغاز نماید، آنگاه باید فقط به طور موقت و مشروط، مبلغ میزان بودجه عمومی را برای حزب مورد نظر بر مبنای صورتحساب وی تعیین نماید و باید این بودجه را در برابر یک وثیقه تضمین معادل با مبلغ دیون و بدهی‌های مالی احتمالی آن حزب پرداخت کند (مواد (۳۱a) تا (۳۱c)). به محض آنکه روند مزبور، به پایان برسد، رئیس بوندستاگ باید مبلغ بودجه را به طور قطعی تعیین نماید.

۲. مبنا و پایه محاسبه نرخ بودجه عمومی باید به ترتیب زیر باشد: تعداد آرای معتبر کسب شده توسط احزاب سیاسی واجد شرایط در آخرین انتخابات پارلمان اروپا و یا بوندستاگ و در آخرین انتخابات ایالتی تا ۳۱ دسامبر سال استحقاق بودجه و کمک‌ها و هدایایی (ماده (۱۸)، بند «۳»، جمله اول، شماره ۳) دریافت شده در طول سال پیشین (سال محاسبه و حسابرسی) به ترتیبی که در صورتحساب‌ها منتشر و اعلام شده است. رئیس بوندستاگ آلمان باید آرای معتبر کسب شده توسط هر حزب را که معیارها و ضوابط مقرر در ماده (۱۸)، بند «۴» را داراست، گردآوری نماید و باید به طور مرتب و منظم این لیست را به روز و روزآمد کند.

۳. حزب سیاسی باید صورتحساب خود را به رئیس بوندستاگ آلمان تا ۳۰ سپتامبر سال بعد از سال حسابرسی ارائه و تسلیم نماید. رئیس بوندستاگ آلمان می‌تواند این مهلت را تا سقف سه‌ماه تمدید کند. اگر یک حزب صورتحساب خود را در مهلت مقرر ارائه و تسلیم ننماید، استحقاق خود را نسبت به بودجه عمومی مبتنی بر کمک‌ها و هدایا از دست خواهد داد و از آن محروم خواهد شد. اگر یک حزب صورتحساب خود را تا ۳۱ دسامبر سال بعد از سال استحقاق، ارائه و تسلیم نکرده باشد، وی از استحقاق خود نسبت به بودجه عمومی مربوط به سال استحقاق محروم خواهد شد. اگر صورتحساب از فرم و قالب و ساختار مقرر شده در ماده (۲۴) پیروی کند و حاوی یک گواهی حسابرسی به‌موجب ماده (۳۰)، بند «۲» باشد، آنگاه چنین تلقی خواهد شد که محدوده‌ها و مواعد زمانی، قطع نظر از صحت و دقت صورتحساب، بجا آورده شده‌اند. مبالغ تعیین شده به نفع سایر احزاب سیاسی و پرداخت‌های نقدی انجام شده به سایر احزاب سیاسی، تحت تأثیر قرار نخواهند گرفت.

۴. محاسبه حد نهایی نسبی (ماده (۱۸)، بند «۵») باید بر درآمد متکی باشد چنان‌که در ماده (۲۴)، بند «۴» شماره‌های ۱ تا ۷ مقرر و بدان تصریح شده است و باید در صورتحساب‌های مربوط به سال حسابرسی مربوطه منتشر و اعلام گردد.

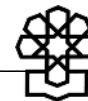
۵. تعیین مبالغ مربوطه باید ابتدا از حد نهایی مطلق (ماده (۱۸)، بند «۲») و سپس از حد نهایی نسبی برای هر حزب پیروی نماید (ماده (۱۸)، بند «۵»). اگر مبلغ بودجه عمومی که بدین نحو محاسبه می‌شود، از حد نهایی مطلق بیشتر باشد، آنگاه احزاب تنها تا مبلغی معادل با سهم نسبی مربوطه خود، مستحق بودجه عمومی خواهند بود.

۶. بودجه عمومی تخصیص یافته در ازای آرای معتبر کسب شده در انتخابات ایالتی، باید به شعبه ایالتی حزب، با نرخ ۰/۵۰ یورو به ازای هر رأی پرداخت شود. اگر تقلیل‌ها و کاهش‌هایی که به موجب بند «۵» بالا صورت می‌پذیرند، بتوانند در پرداخت‌های نقدی که توسط فدراسیون قرار است انجام گیرد، گنجانده شوند، آنگاه این کاهش‌ها لحاظ نخواهند شد. (ماده (۲۱) بند «۱»، جمله اول، شق دوم). بودجه عمومی باقیمانده باید به شعبه فدرال حزب پرداخت شود، اگر یک حزب تنها در سطح ایالتی دارای نماینده باشد، این بودجه باید به شعبه ایالتی پرداخت شود.

### ماده (۲۰) - پرداخت‌های قسطی

۱. احزابی که استحقاق دریافت بودجه عمومی را دارند، این بودجه باید در قالب اقساط و به مبلغی که باید توسط رئیس بوندستاگ آلمان تعیین شود، به آنها پرداخت گردد. این نوع پرداخت‌ها باید





بر مبنای مبالغی که به هر حزب در سال گذشته اختصاص یافته، محاسبه شود. اقساط باید در ۱۵ فوریه، ۱۵ می، ۱۵ آگوست و ۱۵ نوامبر پرداخت شوند، هیچ قسطی نمی‌تواند از ۲۵ درصد کل مبلغ بودجه اختصاص یافته به حزب مربوطه، در قبال سال پیشین، بیشتر باشد. اگر قرائن و اماراتی وجود داشته باشد که حزبی ممکن است متعاقباً ملزم به پس دادن و بازپرداخت کردن بودجه شود، در این صورت پرداخت ممکن است مشروط به یک وثیقه تضمین انجام پذیرد.

۲. پرداخت‌های قسطی اگر از مبلغ تعیین شده بیشتر باشند یا اگر هیچ‌گونه استحقاقی در وهله اول وجود نداشته باشد، باید توسط حزب سیاسی فوراً بازپس داده شوند. اگر هرگونه پرداخت مازادی انجام گرفته باشد، رئیس بوندستاگ آلمان، باید به‌عنوان بخشی از اقدام اداری و اجرایی که خود جزئی از فرایند تعیین و برآورد بودجه‌ها و اعتبارات محسوب می‌شود، مبلغی را که باید مطالبه و بازپس خواسته شود، تعیین نماید و مستقیماً این مبلغ را به حساب منتقل کند.

۳. ماده (۱۹۸) بند «۶» باید با تغییرات لازم اعمال شود.

## ماده (۲۱) - پیش‌بینی و تأمین بودجه فدرال و نحوه پرداخت نقدی و حسابرسی توسط

### سازمان عالی حسابرسی آلمان

۱. بودجه‌هایی که در مواد (۱۸) و (۲۰) مقرر و تصریح شده‌اند، باید در مورد ماده (۱۹۸) بند «۶»، توسط ایالات و در سایر موارد توسط فدراسیون، از طریق رئیس بوندستاگ آلمان، به احزاب سیاسی پرداخت شوند. رئیس بوندستاگ آلمان باید اطلاعات معتبر و الزام‌آور را در خصوص مبالغ تخصیص یافته به شعب ایالتی احزاب، در اختیار ایالت قرار دهد.

۲. سازمان عالی حسابرسی آلمان باید تحقیق کند که آیا رئیس بوندستاگ آلمان به‌عنوان اداره‌ای که مسئول مدیریت بر منابع مالی است، مبالغ مربوطه از بودجه‌های عمومی را برطبق مقررات و پیش‌بینی‌های این بخش، تعیین و پرداخت کرده یا خیر و اینکه آیا رویه‌های مقرر شده در ماده (۲۳۸) به درستی انجام گرفته یا نه.

## ماده (۲۲) - موازنه مالی درون‌حزبی

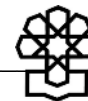
شعب فدرال احزاب باید برای شعب ایالتی خود موازنه مالی مناسبی را تأمین و تضمین کنند.

## بخش پنجم - مسئولیت ارائه حساب

## ماده (۲۳) - الزام به ارائه و تسلیم صورتحساب علنی

۱. در پایان سال مالی میلادی کمیته اجرایی حزب، باید به‌درستی و با آگاهی و اطمینان کامل، به‌طور علنی، منشأ و نحوه هزینه بودجه‌ها و دارایی‌های حزب را، در یک صورتحساب توضیح داده و علت آن را بیان کند. قبل از ارائه و تسلیم به رئیس بوندستاگ آلمان، صورتحساب مزبور، باید توسط کمیته اجرایی حزب مورد بحث و گفتگو قرار گیرد. کمیته اجرایی شعبه فدرال حزب، کمیته‌های اجرایی شعب ایالتی و کمیته‌های اجرایی شعب منطقه‌ای که در مقام مقایسه هم‌تراز و هم‌ارز شعبه‌های ایالتی هستند، باید مسئول ارائه و اعلام صورتحساب‌های مربوطه خود باشند. صورتحساب‌های آنها باید توسط رئیس و یک عضو کمیته اجرایی که مسئول مسائل و موضوعات مالی است و توسط مجمع حزب انتخاب می‌شود، یا توسط یک عضو کمیته اجرایی که منتخب هیئتی است که به‌موجب قوانین موضوعه، مسئول مسائل و موضوعات مالی حزب است، امضا گردد. این اعضای کمیته اجرایی باید، با امضای خود تأیید کنند که اطلاعات موجود در صورتحساب‌های آنها، صادقانه و با اطلاع و اطمینان کامل آنها، ارائه و عرضه شده است. صورتحساب مربوط به کل حزب سیاسی باید توسط یک عضو کمیته اجرایی ملی که مسئول مسائل و موضوعات مالی است و توسط مجمع حزب انتخاب می‌شود، یا توسط یک عضو کمیته اجرایی ملی، که منتخب هیئتی است که به‌موجب قوانین موضوعه، مسئول مسائل و موضوعات مالی حزب است، تهیه و تنظیم و امضا گردد.

۲. صورتحساب باید توسط حسابرس رسمی یا شرکت حسابرسی، برطبق مقررات مواد (۲۹) تا (۳۱)، مورد حسابرسی قرار گیرد. در مورد احزاب سیاسی که الزامات و شرایط مقرر شده در ماده (۱۸)، بند «۴»، بخش اول از جمله اول، را برآورده نمی‌کنند، صورتحساب می‌تواند علاوه‌بر این، به وسیله یک حسابدار یا توسط یک شرکت حسابداری نیز، مورد حسابرسی قرار گیرد. صورتحساب باید در مهلت مقرر شده در ماده (۱۹a)، بند «۳»، بخش اول از جمله اول، به رئیس بوندستاگ آلمان ارائه و تسلیم شود که وی باید آن را به‌عنوان یک گزارش رسمی چاپی بوندستاگ، پخش و منتشر کند. اگر یک حزب سیاسی، الزامات و شرایط مقرر شده در ماده (۱۸)، بند «۴»، بخش اول از جمله اول را برآورده نسازد و درآمد وی یا دارایی‌های وی در سال حساب از ۵۰۰۰ یورو تجاوز نماید وی می‌تواند یک صورتحساب غیرحسابرسی شده به رئیس بوندستاگ آلمان ارائه و تسلیم نماید. شخص اخیر، می‌تواند صورتحساب‌های تسلیم شده به‌صورت غیرحسابرسی شده را پخش و منتشر کند. صورتحساب حزب پس از انتشار باید برای بحث و گفتگو، به مجمع حزب ملی بعدی تسلیم و ارائه گردد.



۳. رئیس بوندستاگ آلمان باید، به موجب ماده (۲۳a) زیر، بررسی کند که آیا صورتحساب از مقررات بخش ۵ پیروی و تبعیت می‌کند یا نه. نتیجه، باید در گزارشی که قرار است به موجب بند «۴» زیر ارائه و تسلیم شود، گنجانده شود.

۴. رئیس بوندستاگ آلمان باید، هر دو سال یک بار، به بوندستاگ آلمان، در مورد روند وضعیت مالی احزاب و در مورد صورتحساب‌های ارائه شده توسط احزاب، گزارش دهد. علاوه بر این، رئیس باید خلاصه مالیات از درآمد و هزینه‌های احزاب و دارایی‌های آنها، آماده و تهیه کند. این گزارش‌ها باید به‌عنوان گزارش‌های رسمی چاپ شده بوندستاگ پخش و منتشر شوند.

### ماده (۲۳a) - تأیید صورتحساب

۱. رئیس بوندستاگ آلمان باید بررسی کند که آیا صورتحساب ارائه شده صحیح است یا نه و اینکه آیا الزامات و شرایط رسمی و قانونی را برآورده می‌سازد یا خیر. وی باید تعیین کند که آیا صورتحساب از مقررات بخش ۵ پیروی و تبعیت می‌کند یا خیر. تصدیق یا تأیید مکرر، تنها در مهلت مقرر شده در ماده (۲۴)، بند «۲» زیر مجاز خواهد بود.

۲. اگر رئیس بوندستاگ آلمان ادله و شواهد عینی و ملموسی داشته باشد مبنی بر اینکه یک فقره از اطلاعات گنجانده شده در یک صورتحساب نادرست و غلط است، وی باید به حزب مربوطه فرصت توضیح بدهد. رئیس می‌تواند حزب سیاسی را ملزم نماید که از حسابدار یا شرکت حسابداری خود بخواهد که تأیید و تصدیق کنند که اظهارات وی صحیح است.

۳. اگر اظهارات و توضیحات حزب که به موجب بند «۲» بالا مطالبه می‌شوند، ادله و شواهد عینی و ملموسی را که در ارتباط با بی‌دقتی‌ها و غلط‌های موجود در صورتحساب، در دسترس رئیس بوندستاگ آلمان قرار دارند، رد و باطل نکنند، آنگاه رئیس بوندستاگ آلمان می‌تواند با توافق حزب مربوطه، به یک حسابرس یا یک شرکت حسابرسی با انتخاب خود وی، مأموریت دهد که بررسی کند آیا صورتحساب حزب از مقررات بخش ۵ پیروی و تبعیت می‌نماید یا خیر. حزب سیاسی باید به حسابرس تعیین شده توسط رئیس بوندستاگ آلمان اجازه دهد که به اسناد و مدارک قانع‌کننده لازم برای حسابرسی، دسترسی داشته و آنها را مورد بررسی قرار دهد. هزینه‌های این روند باید توسط رئیس بوندستاگ آلمان تقبل گردد.

۴. پس از نتیجه‌گیری و پایان این روند، رئیس بوندستاگ آلمان باید اعلامیه‌ای را صادر و منتشر کند که هرگونه بی‌دقتی و اشتباه را در صورتحساب مشخص نماید و در صورت امکان تعداد بخش یا بخش‌های مربوط به این موضوع که چه اطلاعات نادرست و غیردقیقی ارائه شده را بیان نماید. اعلامیه باید مشخص و تصریح کند که بی‌دقتی یا اشتباه مربوطه به کدام علت زیر بوده است: نقض مقررات

راجع به حسابرسی و محاسبه درآمد، هزینه‌ها، صورتحساب دارایی و بدهی (ماده (۲۴)، بند «۷»).

۵. اگر صورتحساب محتوی خطاها و اشتباهاتی باشد، حزب سیاسی مربوطه، باید آن صورتحساب را اصلاح کند و چنانچه توسط رئیس بوندستاگ آلمان تصمیم‌گیری شود، باید بخشی از صورتحساب یا تمام صورتحساب خود را دوباره ارائه و تسلیم نماید. صورتحسابی که دوباره ارائه و تسلیم می‌شود، باید توسط گواهینامه حسابرسی صادر شده از سوی یک حسابرس رسمی یا یک شرکت حسابرسی و یا یک حسابدار یا شرکت حسابداری، مورد تأیید و تصدیق قرار گیرد. اگر مبلغی که قرار است مورد اصلاح و تصحیح قرار گیرد، از ۱۰,۰۰۰ یورو در یک نمونه یا ۵۰,۰۰۰ یورو در مورد کل سال حساب هر حزب بیشتر نباشد، اصلاح یا تصحیح مزبور می‌تواند با منتفی شدن جملات اول و دوم این بند، در صورتحساب مربوط به سال آینده گنجانده شود.

۶. صورتحساب‌های تصحیح شده، خواه کل آنها خواه قسمتی از آنها، باید به‌عنوان گزارش‌های رسمی چاپی بوندستاگ، منتشر شوند.

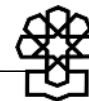
۷. سایر اطلاعات دیگری که در طول این روند فاش و آشکار می‌شود و ارتباطی به خود موضوع ارائه و اعلام حساب توسط حزب ندارد، نباید منتشر شود یا آنکه نباید به سایر مقامات و مسئولان دولتی جمهوری فدرال آلمان منتقل گردد. این‌گونه اطلاعات باید بلافاصله بعد از نتیجه‌گیری و پایان این فرایند بررسی و تحقیق، توسط رئیس بوندستاگ آلمان از بین برود.

### ماده (۲۳b) - الزام به گزارش خطاهای موجود در صورتحساب

۱. اگر یک حزب سیاسی، از وجود هرگونه بی‌دقتی و اشتباهی در یک صورتحساب که پیش از این به‌موقع و به‌صورت درست، به رئیس بوندستاگ آلمان ارائه گردیده، مطلع شود، باید فوراً و بلافاصله به رئیس بوندستاگ آلمان در مورد وجود چنین بی‌دقتی‌ها و خطاهایی به‌صورت مکتوب، اطلاع دهد.

۲. در ارتباط با بی‌دقتی یا خطایی که توسط یک حزب گزارش می‌شود، آن حزب نباید در معرض پیامدهای قانونی و حقوقی تصریح شده در ماده (۲۱b) یا ماده (۳۱c) قرار گیرد، مشروط بر اینکه در تاریخ دریافت گزارش، هیچ‌گونه اطلاعات عینی که دال بر چنین بی‌دقتی‌ها و خطاهایی باشد، علناً شناسایی نشده باشد، یا آنکه [چنین اطلاعاتی] نه به آگاهی و اطلاع رئیس بوندستاگ آلمان رسیده باشد [و] نه در جریان یک روند و فرایند رسمی وجود آنها آشکار و برملا شده باشد و مشروط بر اینکه حزب مربوطه به‌طور کامل واقعیت‌ها و ارقام مربوطه را افشا کرده و تصحیح نماید. هرگونه منافع و مزایای مالی دریافت شده به نحو غیرقانونی، باید به رئیس بوندستاگ آلمان در محدوده زمانی که توسط وی مشخص می‌گردد، ارجاع شود.

۳. ماده (۲۳a) بندهای «۵» و «۶» باید با اعمال تغییرات لازم اجرا شوند.



## ماده (۲۴) - صورتحساب

۱. صورتحساب باید مشتمل بر بخش‌های زیر باشد: خلاصه حساب که بر مبنای جدول‌بندی درآمد و هزینه‌ها آماده می‌شود و از مقررات قانون فعلی تبعیت و پیروی می‌کند، صورتحساب دارایی و بدهی و یک بخش توضیحی. صورتحساب باید طبق اصول و ضوابط دفترداری صحیح و بر مبنای واقعیت‌ها و شرایط حقیقی، اطلاعاتی را در مورد مبدأ و مصرف بودجه‌های مالی و در خصوص دارایی‌های حزب در اختیار و در دسترس قرار دهد.

۲. مقررات قانون تجارت که در مورد تمامی تاجران و بازرگانان اعمال می‌شود و بر ارائه و اعلام حساب‌ها، به‌ویژه برآورد و ارزیابی دارایی‌ها، حاکم است، باید با تغییرات لازم اعمال گردد، مگر اینکه قانون حاضر پیش‌بینی دیگری را مقرر کرده باشد. اسناد حسابداری، دفاتر، ترازنامه‌ها و صورتحساب‌ها، باید به مدت ده سال حفظ و نگهداری شوند. دوره نگهداری باید زمانی شروع شود که سال حساب مربوطه پایان می‌یابد.

۳. صورتحساب حزب به‌طور کلی و روی هم رفته باید مشتمل بر بخش‌های زیر باشد: صورتحساب‌های جداگانه مربوط به شعبه فدرال حزب و شعبه یا شعب ایالتی و نیز صورتحساب‌های شعب منطقه‌ای، محلی سطح پایین‌تر هر شعبه ایالتی. شعب ایالتی و منطقه‌ای - محلی تابعه آنها، باید به صورتحساب‌های خود، لیست کاملی از تمامی کمک‌ها و هدیه‌های دریافت شده، همراه با اسامی و آدرس‌های اهداکنندگان ضمیمه و ملحوق کنند. شعبه ملی حزب باید این لیست‌ها و فهرست‌ها را گردآوری و جمع‌آوری کند تا [بتواند] مبلغ کل سالیانه هدایا را به‌ازای هر هدیه‌کننده تعیین نماید. شعب ایالتی، باید صورتحساب‌های مختلف شعب منطقه‌ای - محلی تابعه خود را همراه با اسناد حسابداری خود [آنها] حفظ و نگهداری کنند.

۴. محاسبه درآمد باید اقلام زیر را شامل شود:

- حق عضویت‌ها،

- کمک‌ها و اعانات پرداخت شده توسط صاحب‌منصبان منتخب و کمک‌های منظم و ثابت مشابه،

- هدیه‌ها از ناحیه اشخاص حقیقی،

- هدیه‌ها از ناحیه اشخاص حقوقی،

- درآمد حاصل از فعالیت‌های تجاری و سهام مشارکتی شرکت‌ها،

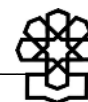
- درآمد حاصل از سایر دارایی‌ها،

- دریافت‌های حاصل از رویدادهای سازمان‌یافته، توزیع و پخش اطلاعات و نشریات چاپی و

دریافت‌های حاصل از سایر فعالیت‌های درآمدزا،

- بودجه عمومی،

- هرگونه دریافتی دیگر،
  - کمک‌های دریافت شده از شعب حزبی،
  - درآمد کل، به‌عنوان حاصل جمعی از شماره‌های ۱ تا ۱۰.
۵. محاسبه هزینه‌ها باید دربرگیرنده موارد زیر باشد:
- هزینه‌ها و مخارج مربوط به پرسنل،
  - هزینه‌ها و مخارج عملیاتی و اجرایی صرف شده در:
    - کار روزمره،
    - کار سیاسی عمومی،
    - فعالیت‌ها و مبارزات انتخاباتی،
    - اداره دارایی، شامل هرگونه منافع عاید شده از آن،
    - سایر منابع،
    - سایر هزینه‌ها.
  - کمک‌های قابل پرداخت به شعب حزبی،
  - هزینه کل به‌عنوان حاصل جمع شماره‌های ۱ تا ۳.
۶. صورتحساب دارایی و دیون باید مشتمل بر موارد زیر باشد:
- دارایی‌های تحت تملک
    - A. دارایی‌های سرمایه‌ای
      - I. دارایی‌های عینی
        - الف) اموال غیرمنقول،
        - ب) اسباب و اثاثیه و تجهیزات اداره شعبه،
      - II. دارایی‌های مالی
        - ۱. سهام مشارکتی شرکت‌ها
        - ۲. سایر سرمایه‌گذاری‌های مالی
    - B. دارایی‌های در گردش
      - I. مطالبات از شعبه‌های حزبی
      - II. مبالغ قابل وصول به‌موجب بودجه‌گذاری نسبی دولتی
    - III. دارایی و مایملک پولی
    - IV. سایر انواع دارایی‌ها



C. کل دارایی‌های تحت تملک (حاصل جمع A و B)

- حساب‌های قابل پرداخت

A. بودجه‌های ذخیره

I. ذخیره‌های مربوط به حقوق بازنشستگی

II. سایر ذخیره‌ها یا تأمین‌ها

B. بدهی‌ها

I. مبالغ بدهکاری به شعب حزبی

II. تعهدات و دیون بازپرداختی در ارتباط با بودجه نسبی‌ای که توسط دولت پیش‌بینی، مقرر و تأمین می‌شود

III. مبالغ بدهکاری به مؤسسات اعتباری

IV. مبالغ بدهکاری به سایر وام‌دهندگان

V. سایر بدهی‌ها و دیون

• کل بدهی‌ها (حاصل جمع A و B)

C. دارایی‌های خالص (مثبت یا منفی)

۷. یک بخش توضیحی باید به صورت حساب دارایی و بدهی ضمیمه شود که باید، مشتمل بر بندهای زیر باشد:

- یک فهرست از سهام شرکت‌ها مطابق بند «۶» شماره AI، III و نیز سهام مستقیم و غیرمستقیم شرکت‌ها که در صورت حساب‌های مالی سالیانه آنها ثبت و ضبط می‌شود، که مشتمل بر اطلاعات زیر در هر مورد خواهد بود: نام و آدرس، سهم و مبلغ سرمایه‌گذاری و علاوه بر آن، سرمایه سهامی، سرمایه سهام‌داران و نتایج ثبت شده توسط این شرکت‌ها در طول سال کاری گذشته که یک صورت حساب مالی سالیانه برای آن تهیه و آماده شده است. اطلاعات مربوط به سهام فهرست شده در صورت حساب مالی سالیانه شرکت‌ها، باید به همان ترتیبی که در صورت حساب مالی سالیانه مربوط گنجانده شده، در بخش توضیحی گنجانده و وارد شود. سهام مطابق تعریف قانون حاضر، عبارتند از سهم‌هایی که در ماده (۲۷۱)، بند «۱» از قانون تجارت تعریف شده‌اند،

- تعیین محصولات و کالاهای اصلی شرکت‌ها و مؤسسات واسطه در صورتی که حزب

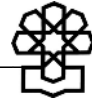
سیاسی مربوطه از سهام در چنین شرکت‌ها و مؤسساتی برخوردار باشد،

- در فواصل پنج‌ساله، یک ارزیابی و قیمتگذاری در مورد اموال غیرمنقول و در مورد سهام

مؤسسات و شرکت‌ها به ترتیبی که در قانون ارزیابی و تقویم مالی مقرر و تصریح شده است.

۸. مبلغ کمک‌ها و هدایای اعطا شده توسط اشخاص حقیقی تا سقف مبلغ ۳۳۰۰ یورو به‌ازای هر شخص و مبلغ آن دسته از کمک‌ها و هدایای اعطا شده توسط اشخاص حقیقی که از مبلغ ۳۳۰۰ یورو تجاوز می‌کند، باید به‌طور مجزا و جداگانه در صورت‌حساب نشان داده شود.
۹. قبل از شروع اصل صورت‌حساب و در ابتدای آن باید چکیده‌ای به‌صورت زیر عنوان شود:
- دریافتی‌های وصول شده توسط حزب سیاسی روی هم رفته به ترتیبی که در بند «۴» شماره‌های ۱ تا ۹ بالا فهرست و عنوان شده است و درآمد کل،
  - هزینه‌ها و مخارج حزب سیاسی روی هم رفته به ترتیبی که در بند «۵» شماره‌های ۱ و ۲ فوق، فهرست و لیست شده است و کل هزینه‌ها،
  - اعلام مازادها یا کسری‌ها،
  - دارایی‌های تحت تملک حزب سیاسی روی هم رفته به ترتیبی که در بند «۶» شماره IA1، II و IIB تا IV بالا فهرست و لیست شده است و کل آنها،
  - بدهی‌های حزب سیاسی روی هم رفته به ترتیبی که در بند «۶» شماره IA2، II و IIB تا IV فوق فهرست و لیست گردیده است و کل آنها،
  - دارایی خالص حزب سیاسی روی هم رفته (مثبت یا منفی)،
  - درآمد کل، هزینه‌های کل، مازاد یا کسری‌ها، دارایی‌های خالص سه سطح سازمانی شعبه فدرال شعب ایالتی و شعب منطقه‌ای - محلی فرعی آنها.
- علاوه‌بر ارقام مطلق و قطعی مربوط به شماره‌های ۱ و ۲ بالا، درصد درآمد کل طبق شماره ۱ و درصد هزینه‌های کل طبق شماره ۲، باید اعلام شود به‌منظور مقایسه بهتر، ارقام و اعداد خاص مربوط به سال قبل نیز باید ارائه شود.
۱۰. تعداد اعضا از ۳۱ دسامبر سال حساب ۲۶ و ۲۷ باید اعلام گردد.
۱۱. حزب سیاسی می‌تواند اظهارات توضیحی اضافی دیگری را به صورت‌حساب خود ضمیمه و اضافه نماید.
۱۲. کمک‌های دولتی اختصاص‌یافته به سازمان‌های سیاسی جوان احزاب به‌منظور یک هدف خاص، هنگام تعیین حد نهایی مطلق باید نادیده گرفته شوند، این‌گونه کمک‌ها باید صرفاً جهت اطلاع، در صورت‌حساب یک حزب وارد فهرست شوند اما نباید در صورت‌حساب درآمد، هزینه‌های آن حزب، وارد و گنجانده شوند.





## ماده (۲۵)

۱. احزاب سیاسی حق دارند هدایا را بپذیرند. هدایا و کمک‌ها تا سقف ۱۰۰۰ یورو می‌توانند به صورت نقدی اعطا شوند. آن دسته از اعضای حزب که هدایا و کمک‌ها را به نمایندگی از طرف حزب خود دریافت می‌کنند باید بلافاصله آنها را به عضوی از کمیته اجرایی، که به موجب قوانین موضوعه حزب، مسئول مسائل و موضوعات مالی حزب است، منتقل و واگذار نماید. زمانی که یک عضو از کمیته اجرایی حزب که مسئول مسائل و موضوعات مالی حزب است یا یک عضو از کارکنان تمام‌وقت آن حزب، به هدایا و کمک‌ها دسترسی پیدا کرده باشد، [آنگاه] [این] هدایا و کمک‌ها باید تملک یافته تلقی و محسوب گردند، کمک‌ها و هدایایی که بلافاصله پس از دریافت به اهداکننده بازگردانده می‌شوند، نباید به عنوان هدایایی تلقی شوند که تحت تملک و مالکیت حزب درآمده‌اند.

۲. حق احزاب سیاسی مبنی بر پذیرش هدایا و کمک‌ها، هدایا و کمک‌های زیر را شامل نخواهد شد:

- هدایا و کمک‌ها از ناحیه شرکت‌های دولتی، احزاب و گروه‌های پارلمانی و از ناحیه گروه‌های پارلمانی شوراهای شهری (انجمن‌های محلی)،

- هدایا و کمک‌ها از طرف بنیادها و نهادهای سیاسی، واحدها یا مؤسسات جمعی، انجمن‌ها و کانون‌های اشخاص و از دارایی‌هایی که به موجب قوانین موضوعه، اساسنامه نهاد مربوطه یا سایر مفاد و مقررات حاکم بر تشکیلات این‌گونه واحدها و مؤسسات و با توجه به فعالیت فعلی که توسط چنین واحدها و مؤسساتی انجام می‌گیرد، ذاتاً دارایی‌هایی هستند که منحصراً و مستقیماً برای اهداف غیرانتفاعی، خیرخواهانه یا مذهبی منظور و در نظر گرفته می‌شوند (مواد (۵۱) تا (۶۸) از قانون مالی آلمان).

- هدایا و کمک‌ها از منابعی که بیرون از قلمرو این قانون قرار دارند، مگر آنکه:

• این هدایا و کمک‌ها مستقیماً از دارایی‌های زیر به یک حزب سیاسی تعلق گیرد: از دارایی‌های یک شخص آلمانی که توسط قانون اساسی تعریف شده است، از دارایی‌های یک شهروند اتحادیه اروپا یا از دارایی‌های یک مؤسسه یا شرکت تجاری که بیش از ۵۰ درصد سهام آن متعلق به آلمانی‌هاست که توسط قانون اساسی تعریف شده است یا تحت تملک یک شهروند از اتحادیه اروپاست یا از دارایی‌های یک مؤسسه یا شرکت تجاری که دفتر مرکزی آن در یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا مستقر است.

• این هدایا، هدایا و کمک‌هایی باشند که از کشورهای همسایه و مجاور جمهوری فدرال آلمان هستند و از جایی که اعضای گروه قومی آنها در آنجا زندگی می‌کنند، به احزاب اقلیت‌های ملی در مناطق محل سکونت سنتی آنها، انتقال داده شده باشند، یا آنکه

• این هدیه یا کمک، هدیه یا کمکی کمتر از مبلغ ۱۰۰۰ یورو باشد که توسط یک فرد خارجی اهدا شده است.

- هدایا و کمک‌ها از طرف سازمان‌های حرفه‌ای که منوط و مشروط به این شرط به آنها اعطا می‌شوند که آنها خود چنین وجوهی را به یک حزب سیاسی منتقل کنند:

- هدایا و کمک‌ها از طرف شرکت‌ها و مؤسساتی که به‌طور کامل یا تا حدودی تحت مالکیت دولتی هستند یا آنکه توسط ادارات و مؤسسات دولتی مدیریت و اداره می‌شوند مشروط بر آنکه مشارکت و مداخله مستقیم دولت بالغ بر بیش از ۲۵ درصد باشد.

- هرگونه هدایایی که هر کدام بیش از ۵۰۰ یورو قیمت داشته باشند، هدایایی که توسط یک هدیه‌دهنده ناشناس، اهدا می‌شوند یا هدایایی که ظاهراً به‌عنوان یک هدیه توسط اشخاص ثالث بدون نام منتقل و اهدا می‌شوند.

- هدایا یا کمک‌هایی که ظاهراً به امید، یا در عوض، نوعی امتیاز مالی یا سیاسی خاص اعطا و اهدا می‌شوند.

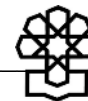
- هدایایی که توسط شخص ثالثی در مقابل اجرتی که قرار است توسط حزب سیاسی پرداخت شود، درخواست و تقاضا می‌شوند و بالغ بر بیش از ۲۵ درصد ارزش هدیه درخواست شده می‌باشند.

۳. اگر مبلغ کل هدایای اهدا شده و کمک‌های پرداخت شده توسط نمایندگان (مقامات منتخب، به یک حزب سیاسی یا به یک یا چند شعبه منطقه‌ای - محلی آن از ۱۰۰۰۰ یورو در هر یک سال مالی بیشتر شود، این هدایا باید همراه با اسامی و آدرس‌های اهداکنندگان و مبلغ کل در صورت‌حساب ثبت و درج شوند. هدایای واحد و منفرد متجاوز از ۵۰,۰۰۰ یورو باید بلافاصله به رئیس بوندستاگ آلمان گزارش شوند. وی باید میزان هدیه را همراه با نام هدیه‌کننده، به‌عنوان یک گزارش رسمی چاپی بوندستاگ، منتشر و اعلام نماید.

۴. احزاب سیاسی باید هرگونه هدایا و کمک‌هایی را که به‌موجب بند «۲» فوق، دریافت آنها مجاز شمرده نمی‌شود، بلافاصله یا حداکثر تا زمان تحویل صورت‌حساب سال مربوطه، به رئیس بوندستاگ آلمان، ارائه و تحویل دهند (ماده (a1۹)، بند «۳»).

#### ماده (۲۶) - تعریف «درآمد»

۱. درآمد عبارت است از هرگونه وجه پول یا هرگونه مزیت یا منفعت حائز ارزش پولی که توسط یک حزب سیاسی به‌دست می‌آید، مگر اینکه مقررات ویژه‌ای درخصوص انواع خاصی از درآمد، اعمال گردد (ماده (۲۴)، بند «۴»). علاوه بر این، درآمد باید به‌گونه‌ای تعریف شود که موارد زیر را



نیز دربر بگیرد: معافیت از پرداخت دیون و بدهی‌هایی که به‌طور معمول پیش می‌آیند، قبول مسئولیت توسط دیگران در ارتباط با رویدادها و فعالیت‌های سازمان‌یافته‌ای که صراحتاً هدف آنها تبلیغ انتخاباتی برای یک حزب سیاسی است، نقد کردن ذخیره‌ها و اندوخته‌ها، افزایش ارزش دارایی‌های سرمایه‌ای.

۲. تمامی اقلام درآمدی باید به‌طور کامل در محل مناسبی ثبت و وارد شوند و باید در صورت‌حساب دارایی و بدهی گنجانده و وارد شوند.

۳. دارایی‌های غیرنقدی باید با قیمت‌های معمول و رایجی که در کارها و معاملات تجاری عادی و معمولی در قبال کالاها یا خدمات یکسان یا مشابه منظور می‌شوند، قیمتگذاری و تبدیل به پول گردند.

۴. کار افتخاری برای یک حزب سیاسی باید، به‌عنوان یک اصل اخلاقی، بدون دستمزد انجام گیرد. کار کردن به‌صورت دوستانه و نیکوکارانه، انجام کار و خدمات ارائه شده توسط اعضای حزب، بر یک مبنا و پایه غیرتجاری و معمولاً به‌صورت رایگان نباید درآمد شمرده شود.

۵. کمک‌ها و بودجه عمومی که از ابتدا برای توزیع سهمیه‌های میان چندین شعبه منطقه‌ای - محلی، در نظر گرفته می‌شوند باید در اسناد شعبه‌ای که نهایتاً آنها را دریافت خواهد کرد، توضیح داده شوند.

#### ماده (۲۶ a) - تعریف «هزینه‌ها»

۱. هزینه‌ها عبارتند از: هرگونه پرداخت نقدی که توسط یک حزب سیاسی انجام گیرد، یا هرگونه منفعت یا مزیت حائز ارزش پولی که توسط یک حزب سیاسی تأمین و فراهم گردد و نیز به‌کارگیری و استفاده از درآمدی که توسط حزب کسب می‌شود، که در ماده (۲۶) بند اول، جمله دوم تعریف شده است مگر آنکه مقررات ویژه‌ای در مورد انواع خاصی از هزینه‌ها اعمال و اجرا گردد (ماده (۲۴) بند «۵»).

۲. ماده (۲۶)، بند «۲» باید با اعمال تغییرات لازم اجرا و اعمال گردد.

۳. در زمان واگذاری، فروش یا انتقال، دارایی‌ها باید به‌عنوان هزینه‌ها با ارزش دفتری خود، در دفتر وارد و ثبت شوند.

۴. هزینه‌های ناشی از انتقال‌های داخلی میان شعب حزبی باید در اسناد شعبه‌ای که هزینه‌های مربوطه را پرداخت می‌کند، گزارش شود.

#### ماده (۲۷) - انواع درآمد شخصی

۱. حق عضویت‌ها صرفاً آن دسته از پرداخت‌های پولی منظم و ثابتی محسوب می‌شود که یک عضو به‌موجب مقررات مربوط از قوانین موضوعه حزب پرداخت می‌نماید. کمک‌های پرداختی توسط

نمایندگان منتخب، پرداخت‌ها و مبالغ پولی منظم و ثابتی هستند که توسط یکی از صاحبان یکی از مناصب دولتی منتخب (نماینده یا مقام منتخب) علاوه بر حق عضویت وی پرداخت می‌شوند. هدایا عبارتند از پرداخت‌ها و مبالغی که از حق عضویت‌ها و کمک‌هایی فوق‌الذکر بیشتر باشند.

این دسته باید موارد زیر را شامل شوند: کمک‌های ویژه‌ای که به منظور پوشش هزینه‌های مشترک وضع و وصول می‌شوند، درآمد حاصل از جمع‌آوری اعانه و تمامی انواع کمک‌ها یا خدمات حائز ارزش پولی مگر آنکه این کمک‌ها یا خدمات به‌طور معمول به‌صورت رایگان توسط اعضای حزب بر یک مبنا و پایه غیرتجاری ارائه شوند.

۲. درآمدهای دیگری که در ماده (۲۴)، بند «۴» شماره ۹ تعریف شده‌اند، اگر دریافتی مربوط به هریک از اقلام و مقررات فهرست شده در ماده (۲۴)، بند «۳»، بالغ بر بیش از [۲ درصد از درآمد کل که در ماده (۲۴)، بند «۴» شماره ۱ تا ۶ تعریف شده باشد، باید مورد به مورد شرح و توضیح داده شوند. علاوه بر این، درآمدی که ارزش آن بیش از ۱۰,۰۰۰ یورو به‌ازای هر کمک باشد، باید اعلام گردد.

ارثیه‌ها اگر ارزش کل آنها از ۱۰,۰۰۰ یورو بیشتر باشد باید در صورت‌حساب همراه با مبلغ، نام موصی و آخرین آدرس شناسایی شده ثبت و ضبط شوند.

#### ماده (۲۸) - صورت‌حساب دارایی و بدهی

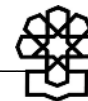
۱. صورت‌حساب دارایی و بدهی باید دارایی‌هایی را که هریک از ارزش مالی معادل بیش از ۵۰۰۰ یورو برخوردارند فهرست نماید (از جمله مالیات فروش).

۲. دارایی‌ها باید با توجه به هزینه‌های تملک و تولید خود، منهای هرگونه هزینه استهلاک زمانی، قیمتگذاری و تبدیل به پول شوند. استهلاک زمانی نمی‌تواند در مورد دارایی‌های غیرمنقول ادعا و مطالبه شود.

۳. شعب حزبی زیرسطح شعب ایالتی می‌توانند درآمد و هزینه‌ها را در سال دریافت یا پرداخت، به‌ترتیب در دفتر وارد و ثبت کنند، حتی اگر مطالبات یا مبالغ واجب‌الاداء مربوطه پیش از این در سال قبل به‌وجود آمده باشند مواد (۲۴۹) تا (۲۵۱) از قانون تجارت می‌توانند در تهیه پیش‌نویس صورت‌حساب‌های مربوط به این‌گونه شعب حزبی رعایت نشوند.

#### ماده (۲۹) - حسابرسی صورت‌حساب

۱. حسابرسی مقرر شده در ماده (۲۳)، بند «۲» باید در مورد شعبه «فدرال»، شعب ایالتی آن حزب و



در مورد حداقل ده شعبه منطقه‌ای - محلی سطح پایین‌تر که توسط حسابرس انتخاب می‌شوند، اعمال و اجرا گردد. حسابرسی باید دفترداری را نیز شامل شود. حسابرسی باید تأیید کند که از مقررات قانونی مربوطه پیروی و تبعیت شده است. هدف شیوه حسابرسی مورد استفاده باید تضمین نماید که اگر حسابرس با توجه و دقت حرفه‌ای لازم انجام گیرد، خطاها و موارد تخلف از مقررات قانونی کشف و شناسایی خواهند شد.

۲. حسابرس می‌تواند کمیته‌های اجرایی و اشخاصی را که طبق موازین و مقررات ازسوی این کمیته‌ها به آنها اجازه و اختیار داده شده، ملزم نماید که اطلاعات روشن‌کننده و توضیح‌دهنده و ادله مستند لازم برای انجام و اجرای مستمر و پیگیر وظیفه حسابرسی وی را فراهم و ارائه کنند. به این منظور حسابرس باید علاوه بر این اجازه داشته باشد که اسناد به کار رفته برای تهیه و تنظیم یک صورتحساب دفاتر حساب و اسناد مکتوب و نیز دارایی‌های نقدی و دارایی‌های موجود را مورد بررسی قرار دهد.

۳. کمیته اجرایی شعبه منطقه‌ای - محلی که قرار است مورد حسابرسی قرار گیرد باید تأییدیه مکتوب در اختیار حسابرس قرار دهد مبنی بر اینکه کل درآمد، هزینه‌ها و دارایی‌هایی که قرار است در مورد آنها توضیح داده شود، در صورتحساب وارد و گنجانده می‌شوند. به چنین تأییدی که توسط کمیته‌های اجرایی شعب پایین‌تر ارائه می‌شود می‌تواند اشاره شود. تأییدیه‌ای که توسط عضوی از کمیته اجرایی که مسئول مسائل و موضوعات مالی حزب است ارائه می‌شود کافی خواهد بود.

### ماده (۳۰) - گزارش حسابرسی و گواهینامه حسابرسی

۱. نتیجه حسابرسی باید به صورت مکتوب در گزارش حسابرسی که قرار است به کمیته اجرایی حزب و به کمیته اجرایی شعبه منطقه‌ای - محلی حسابرسی شده ارائه گردد شرح داده شود.

۲. اگر نتیجه نهایی حسابرسی، هیچ دلیل و منطقی برای اعتراض و مخالفت به دست ندهد، آنگاه حسابرس باید به وسیله یک گواهینامه، که توسط یک حسابرس انجام گرفته به طرز صحیح و تا حد ضرورت (ماده ۲۹)، بند «۱» احراز و اثبات گردیده و مبتنی بر دفاتر حساب و اسناد حزب و مبتنی بر اطلاعات روشن‌کننده و دلایل مستندی است که توسط کمیته‌های اجرایی ارائه شده‌اند، تأیید کند که صورتحساب از مقررات قانون حاضر تبعیت و پیروی می‌نماید. اگر نتیجه حسابرسی دلیل و منطقی برای اعتراض و مخالفت در اختیار بگذارد، آنگاه حسابرس باید یا از ارائه تأییدیه در گواهینامه حسابرسی خود خودداری کند، یا آنکه باید چنین تأییدی را در گواهینامه حسابرسی خود، تعدیل و اصلاح نماید. اسامی شعب منطقه‌ای - محلی حسابرسی شده باید در گواهینامه حسابرسی قید و ذکر شوند.

۳. گواهینامه حسابرسی باید به صورت حساب ضمیمه و الصاق گردد تا همراه با صورتحسابی که در ماده (۲۳)، بند «۲» جمله سوم، پیش‌بینی و مقرر شده به‌طور کامل تسلیم و منتشر شود.

### ماده (۳۱) - حساب‌رسان

۱. یک فرد نمی‌تواند به‌عنوان حساب‌رسان انتخاب شود، در صورتی‌که:

- دارای منصب در حزب سیاسی مشخص باشد یا آنکه کارویژه‌ای را در حزب سیاسی مشخص یا برای حزب سیاسی مشخص برعهده داشته باشد یا آنکه چنین وظایف منصبی یا چنین کار و نقشی را در طول سه سال گذشته انجام داده باشد.

- علاوه بر وظایف حسابرسی خود در دفترداری یا در تهیه پیش‌نویس صورتحسابی که برای حسابرسی ارائه و تسلیم می‌شود نیز مشارکت کرده باشد،

- یکی از افراد زیر باشد: نماینده قانونی، یک کارمند، یک عضو از هیئت ناظر یا یک شریک از شرکای یک شخص حقوقی یا حقیقی یا از یک شرکت مدنی، یا مالک یک شرکت یا مؤسسه در صورتی‌که چنین شخص حقوقی یا حقیقی یا چنین شرکت مدنی یا یکی از شرکای آن یا شرکت و مؤسسه مربوطه، به‌موجب شماره ۲، مجاز به این نباشد که حساب‌رسان آن حزب سیاسی باشد،

- شخصی را برای حساب‌رسان به کار گمارد که به‌موجب شماره‌های ۱ تا ۳ فوق، مجاز نیست حساب‌رسان باشد.

۲. شرکت حسابرسی یا یک شرکت حسابداری نمی‌تواند حساب‌رسان حزبی باشد اگر:

- نتواند به‌موجب بند «۱» شماره ۳ فوق، به‌دلیل آنکه شریک یک شخص حقوقی یا شریک یک شرکت مدنی است، یا آنکه به‌دلایل ارائه شده در بند «۱» شماره ۲ یا ۴ فوق، یک حساب‌رسان باشد.

- هر کدام از نمایندگان قانونی یا شرکای وی نتواند به‌موجب بند «۱» شماره ۲ یا ۳ فوق، یک

حساب‌رسان باشد.

۳. حساب‌رسان، دستیاران آنها و نمایندگان قانونی یک شرکت حسابرسی که در حساب‌رسانی شرکت می‌کنند باید ملزم و موظف باشند که وظایف خود را با وجدان کار و بی‌طرفانه انجام دهند و محرمانگی را حفظ و صیانت کنند. ماده (۳۲۳) از قانون تجارت باید با اعمال تغییرات لازم اجرا و اعمال شود.



## بخش ششم - رویه‌ها در مورد صورتحساب‌های غلط و مقررات جزایی

### ماده (۳۱ a) - بازپرداخت بودجه عمومی پرداخت شده

۱. اگر کمک‌ها و هدایا (ماده ۱۸)، بند «۳» جمله اول، شماره ۳) به صورت نادرست در صورتحساب قید شوند و در نتیجه مبلغ بودجه عمومی که قرار است به حزب سیاسی اختصاص یابد، به اشتباه تعیین شود، رئیس بوندستاگ آلمان باید تصمیمی را که به موجب ماده (۱۹a) بند «۱» در مورد مبلغ بودجه عمومی قابل پرداخت، اتخاذ شده لغو نماید. اگر اصلاح و تصحیح مناسب در صورتحساب سال آینده گنجانده و وارد شود این رویه اعمال نخواهد شد (ماده (۲۳ a) بند «۵»، جمله سوم) ماده (۴۸)، بند «۲» از قانون آیین اداری نباید اعمال گردد.

۲. پس از آنکه مهلت تعیین شده در ماده (۲۴)، بند «۲» منقضی شود ابطال ممنوع خواهد بود.

۳. در اخطاریه ابطال، رئیس بوندستاگ آلمان باید با یک اقدام اداری، مبلغی را که باید توسط یک حزب سیاسی بازپرداخت شود، تعیین نماید. اگر در مرحله بعدی از روند بودجه‌گذاری عمومی، مشخص شود که موازنه پرداخت‌ها و دریافت‌ها، لازم و ضروری است. اختلاف مربوطه (مازاد یا کسری) باید در قسط بعدی که به حزب پرداخت می‌شود، لحاظ گردد.

۴. در این رابطه مبالغ تعیین و پرداخت شده به سایر احزاب سیاسی، تحت تأثیر قرار نخواهد گرفت.

۵. احزاب سیاسی باید مقرراتی را در قوانین موضوعه خود بگنجانند تا بدان وسیله پیش‌بینی‌های لازم و تدابیر مقتضی را در برابر هرگونه اتفاق و پیشامدی که ممکن است از سوی شعب ایالتی یا شعب منطقه‌ای - محلی تابعه آنها به سبب هرگونه اقدامی به موجب بند «۱» بالا، واقع شود انجام داده و اندیشیده باشند.

### ماده (۳۱ b) - غلط بودن صورتحساب

اگر رئیس بوندستاگ آلمان، در جریان تحقیق و بررسی به موجب ماده (۲۳a) خطاها و اشتباهاتی را در صورتحساب کشف و شناسایی کند آنگاه حزب سیاسی بجز در مورد هدایایی که در ماده (۳۱c) پیش‌بینی و مقرر شده‌اند باید به پرداخت مبلغی دو برابر مبلغی که به غلط تعیین و قید شده، محکوم شود.

اگر اشتباهات و خطاها در صورتحساب دارایی و بدهی یا در بخش توضیحی به دارایی‌های غیرمنقول یا به سهم‌الشرکته‌ها در شرکت‌ها، مربوط باشند محکومیت حزب باید بالغ بر ۱۰ درصد ارزش دارایی‌هایی باشد که به حساب نیامده‌اند یا آنکه به‌طور نادرست فهرست و لیست شده‌اند. رئیس باید محکومیت حزب مبنی بر پرداخت مبلغ مربوطه را از طریق یک اقدام اداری تعیین کند. ماده (۳۱a) بندهای «۲» تا «۵» باید با اعمال تغییرات لازم، اجرا و اعمال شوند.

ماده (۳۱۴) - هدایا و کمک‌های به‌دست آمده از طریق غیرقانونی یا هدایا و کمک‌های اعمال نشده

۱. یک حزب سیاسی که با تخلف از ماده (۲۵)، بند «۲» هدایا و کمک‌هایی را پذیرفته باشد و آنها را به رئیس بوندستاگ آلمان برطبق ماده (۲۵)، بند «۴» اعلام نکرده باشد باید به پرداخت مبلغی معادل با سه برابر مبلغ پولی به‌دست آمده از طریق غیرقانونی محکوم گردد، هدایا و کمک‌هایی که قبلاً فرستاده شده‌اند، باید از مبلغ قابل پرداخت مزبور کسر شوند. حزبی که از انتشار و اعلام هدایا و کمک‌ها در صورتحساب خود برطبق مقررات قانون حاضر (ماده (۲۵)، بند «۳») قصور و کوتاهی کند، باید به پرداخت مبلغی دو برابر مبلغ اعلام نشده که توسط قانون حاضر مقرر و تعیین گردیده محکوم شود. رئیس باید با یک اقدام اداری، محکومیت حزب به پرداخت مبلغ مربوطه را تعیین نماید.

ماده (۳۱۵)، بندهای «۲» تا «۵» باید با اعمال تغییرات لازم، اجرا و اعمال شود.

۲. با توافق هیئت‌رئیس بوندستاگ آلمان، رئیس بوندستاگ آلمان باید در ابتدای سال میلادی بعد، بودجه دریافت شده در یک سال میلادی را به مؤسسات و نهادهایی که در راستای اهداف و مقاصد خیریه‌ای، کلیسایی، مذهبی یا علمی خدمت و انجام‌وظیفه می‌کنند، انتقال دهد.

#### ماده (۳۱d) - مقررات جزایی

۱. هر کس به قصد پنهان کردن مبدأ یا نحوه مصرف بودجه‌ها یا دارایی‌های حزب یا به قصد گریختن از زیر بار تکلیف ارائه و اعلام صورتحساب عمومی:

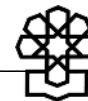
- موجب شود که داده‌ها و اطلاعات نادرست و غلط درخصوص درآمد یا دارایی‌های حزب، در صورتحسابی که به رئیس بوندستاگ آلمان ارائه می‌شود، درج و گنجانده گردد یا آنکه صورتحساب نادرست و غلطی را به رئیس بوندستاگ آلمان ارائه و تسلیم نماید.

- به‌عنوان دریافت‌کننده، هدیه یا اعانه را به مبالغ و اندازه‌های کوچک‌تر تقسیم کند و آنها را وارد دفاتر نماید یا آنکه دیگران را مأمور به وارد کردن و ثبت آنها در دفاتر نماید.

- برخلاف ماده (۲۵)، بند «۱»، هدیه‌ای را گزارش نکند. باید به حبس تا سقف سه سال یا جریمه مالی محکوم گردد. اگر کسی طبق شرایط مقرر شده در ماده (۲۳b)، بند «۲»، واقعیت را به نمایندگی از طرف حزب به‌موجب ماده (۲۳b)، بند «۱» گزارش دهد یا آنکه کمک به گزارش نمودن واقعیت نماید در معرض مجازاتی که در جمله اول از این بند مقرر و تصریح شده قرار نخواهد گرفت.

۲. هر کس، به‌عنوان یک حسابرس یا دستیار یک حسابرس، گزارش غلطی را در رابطه با نتیجه حسابرس یک صورتحساب ارائه دهد، از افشا کردن واقعیت‌های مربوطه در گزارش حسابرسی قصور و کوتاهی کند یا آنکه گواهی‌نامه حسابرسی‌ای را صادر و منتشر نماید که محتوی اطلاعات





غلط و نادرست است، به حبس تا سقف سه سال یا یک جریمه مالی محکوم خواهد شد. اگر مجرم در برابر دستمزد اقدام کنند یا به قصد ثروتمند کردن خود یا یک شخص ثالث یا به قصد لطمه زدن به شخص دیگری، اقدام کنند مجازات حبس تا سقف پنج سال یا یک جریمه مالی خواهد بود.

### بخش هفتم - اعمال ممنوعیت و تحریم در مورد احزاب مغایر با قانون اساسی

#### ماده (۳۲) - اجرای حکم دادگاه

۱. در جایی که یک حزب سیاسی یا یکی از شعب فرعی یک حزب سیاسی، به موجب ماده (۲۱)، بند «۲» از قانون اساسی، مغایر با قانون اساسی اعلام شده باشد، مقامات و مسئولان ذیصلاح تعیین شده از سوی دولت‌های ایالتی، باید در چارچوب قانون، تمامی اقدامات و تدابیر مقتضی را در جهت به اجرا درآوردن حکم دادگاه و تمامی رویه‌ها و اقدامات اجرایی دیگری را که توسط دادگاه قانون اساسی فدرال مقرر می‌گردد، اجرا نمایند. به این منظور، مقامات و مسئولان ارشد ایالتی باید از اختیار نامحدود برخوردار باشند تا بتوانند به آن دسته از ادارات ایالتی که مسئول حفظ امنیت یا نظم عمومی هستند، دستورالعمل‌هایی لازم را بدهند.
۲. در جایی که تشکیلات یا فعالیت‌های حزب سیاسی یا شعبه حزبی که مغایر با قانون اساسی اعلام شده، فراتر از قلمرو یک ایالت خاص توسعه یابد وزیر کشور فدرال باید دستورالعمل‌هایی را که برای تضمین اجرای یک شکل و یکپارچه قانون، لازم و ضروری هستند صادر کند.
۳. با منتفی شدن بندهای «۱» و «۲» فوق، دادگاه قانون اساسی فدرال می‌تواند جزئیات امور اجرایی را برطبق ماده (۳۵) از قانون مربوط به دادگاه قانون اساسی فدرال ارجاع دهد.
۴. اعتراض و مخالفت نسبت به تدابیر و اقدامات اجرایی و اقامه دعوا به منظور لغو تدابیر اجرایی نباید از هیچ‌گونه اثر تعلیقی برخوردار باشد. در جایی که جریان دادرسی دادگاه اداری به یک موضوع دارای اهمیت اساسی در ارتباط با اجرای یک حکم مربوط باشد، جریان دادرسی باید متوقف گردد و صدور حکم از دادگاه قانون اساسی فدرال باید مطالبه شود. دادگاه قانون اساسی فدرال باید علاوه بر این در مورد اعتراضات و مخالفت‌های مطرح شده علیه شیوه‌ای که قرار است اقدامات و تدابیر اجرایی ویژه مقرر شده از سوی دادگاه، بدان شیوه انجام پذیرد تصمیم‌گیری و حکم نماید.
۵. در مورد مصادره دارایی، مواد (۱۰) تا (۱۳) از قانون راجع به اتحادیه‌ها و انجمن‌های ۵ آگوست ۱۹۶۴ (روزنامه رسمی قانون فدرال شماره ۱، ص ۵۹۳) با اعمال تغییرات لازم اجرا و اعمال خواهد شد. مقام صالح اعمال‌کننده ممنوعیت، مقام عالی‌رتبه ایالتی یا در صورت اعمال بند «۲» فوق، وزیر کشور فدرال خواهد بود.

### ماده (۳۳) - اعمال ممنوعیت در مورد سازمان‌های جانشین

۱. تأسیس سازمان‌هایی که همچنان اهداف و فعالیت‌های مغایر با اساسنامه حزب سیاسی را که فعالیت آن به موجب ماده (۲۱)، بند «۲» از قانون اساسی به ضمیمه ماده (۴۶) از قانون مربوط به دادگاه قانون اساسی فدرال، ممنوع اعلام شده است، یا باقی ماندن سازمان‌های موجود به عنوان سازمان‌های جانشین، ممنوع است.

۲. در مواردی که سازمان جانشین، حزب سیاسی است که قبلاً پیش از آنکه حزب اصلی، منحل گردد وجود داشته است یا آنکه حزبی است که در بوندستاگ یا مجالس ایالتی دارای نماینده است، دادگاه قانون اساسی فدرال باید به وسیله حکم قضایی اعلام کند که این سازمان، یک سازمان جانشین غیرقانونی است و در این موارد، مواد (۳۸، ۴۱، ۴۳ و ۴۴)، بند «۳» از قانون راجع به دادگاه قانون اساسی فدرال و ماده (۳۲) از قانون حاضر باید با اعمال تغییرات لازم‌الاجرا و اعمال گردد.

۳. ماده (۸)، بند «۲» از قانون راجع به انجمن‌ها و کانون‌ها باید با اعمال تغییرات لازم، در مورد سایر احزاب سیاسی و در مورد انجمن‌ها و کانون‌های تعریف شده در ماده (۲) از قانون راجع به انجمن‌ها و کانون‌ها، که سازمان‌های جانشین یک حزب ممنوع شده، محسوب می‌شوند، اجرا و اعمال گردد.

### بخش هشتم - مواد پایانی

قوانین زیر نیز در مورد احزاب سیاسی اعمال می‌شود:

ماده (۳۴) - اصلاح قانون مالیات بر درآمد (Finkommensteuergesetz)

ماده (۳۵) - اصلاح قانون مالیات شرکت‌ها (Korperschaftsteuergesetz)

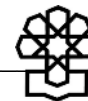
ماده (۳۶) - اعمال مقررات قانون مالیات

ماده (۳۷) - عدم قابلیت اعمال یک ماده از قانون مدنی به شرح زیر:

ماده (۵۴) جمله دوم از قانون مدنی نباید در مورد احزاب سیاسی اعمال گردد.

### ماده (۳۸) - تدابیر و اقدامات اجباری توسط سرپرست حوزه انتخابی فدرال

سرپرست حوزه انتخابی فدرال می‌تواند با تحمیل مبلغ جریمه، کمیته اجرایی یک حزب سیاسی را مجبور و ملزم نماید که اقدام مقرر شده در ماده (۶)، بند «۳» را به انجام برساند. مقررات قانون اجرائیات اداری باید با اعمال تغییرات لازم، اجرا گردد، سرپرست حوزه انتخابی فدرال، باید در این‌گونه موارد به عنوان مسئول اجرایی عمل و اقدام نماید جریمه نباید کمتر از ۲۵۰ یورو و نباید بیشتر از ۱۵۰۰ یورو باشد.



### ماده (۳۹) - مقررات مربوط به برنامه‌های قطعی و موقت

۱. قوانین و مقررات ایالتی مبتنی بر ماده (۲۲)، جمله اول از قانون حاضر که تا ۱ ژانویه سال ۱۹۹۴ حاکم و قابل اجرا هستند دیگر قابل اعمال نخواهند بود.
  ۲. محاسبه بودجه عمومی به موجب ماده (۱۸)، بند «۳» شماره ۳ و محاسبه حد نهایی نسبی، در مورد مبالغی که قرار است برای سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ تعیین شوند باید مبتنی بر کمک‌ها و هدایایی باشد که در صورت حساب‌های مقرر در ماده (۲۴) سابق بند «۲» شماره‌های ۱ و ۲ از قانون حاضر که مشمول نسخه قابل اعمال تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۲ است، ارائه می‌گردند. این مسئله باید علاوه بر این، در مورد تهیه و آماده‌سازی صورت‌حساب‌های مربوط به سال ۲۰۰۲ نیز اعمال گردد.
  ۳. ماده (۲۳a)، بند «۳» باید در مورد حسابرسی صورت‌حساب‌هایی اعمال شود که از سال حساب ۲۰۰۲ به بعد ارائه و تسلیم می‌شوند. صورت‌حساب‌های مربوط به سال ۲۰۰۳ می‌توانند بر مبنای مواد (۲۴، ۲۶، ۲۶a و ۲۸) از نسخه حاکم از ۱ ژانویه ۲۰۰۴ آماده و تهیه شوند.
  ۴. اگر در پی اولین اعمال ماده (۲۸)، بند «۲» از نسخه حاکم از تاریخ ۱ ژانویه ۲۰۰۳، هزینه تملک یا تولید یک دارایی، بدون هزینه یا تأخیر زیاده از حد، قابل تعیین نباشد، ارزش‌های دفتری این دارایی‌ها که در صورت حساب مربوط به سال حساب ۲۰۰۲ ارائه می‌گردد، می‌تواند به عنوان هزینه‌های اصلی تملک و تولید، تعیین گردد و درج شود.
- اگر ارزش‌های دفتری بر مبنای مقررات قانون تجارت تعیین شده باشند، همین شیوه باید در مورد دارایی‌هایی که در قبال آنها هیچ‌گونه هزینه استهلاک زمانی، به ترتیبی که در ماده (۲۸)، بند «۲» مقرر و پیش‌بینی شده قابل ادعا و مطالبه نیست به کار رود. یک اشاره به این موضوع باید در بخش توضیحی گنجانده شود.

### منبع و مأخذ

- این گزارش ترجمه کامل قانون احزاب آلمان است که در ماه مارس سال ۲۰۰۹ توسط سرویس ترجمه وزارت خارجه آلمان به زبان انگلیسی ترجمه شده است. آخرین اصلاحات این قانون در ۲۲ دسامبر سال ۲۰۰۴ در روزنامه رسمی فدرال آلمان به چاپ رسیده است.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۱۰۵۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: قانون احزاب آلمان

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

مترجم: احمد رحیمی مقدم

ناظر علمی: ابودر گوهری مقدم

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار: حسین صدری نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۷/۳